

۲۸ میلیارد ریال هزینه خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی فقط در فروردین وارد بیست ماه امسال!

شماره ۱۰۶ / ۲
تاریخ ۱۳۵۹ / ۲ / ۲
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان برنامه و بودجه
بیرونامه شماره ۱۱۰-۲۳-۱۸۰ مورخ
۱۳۵۸ / ۱۲ / ۲۸ وزارت دفاع ملی در خصوص
تأمین مبلغ بیست و هشت میلیارد ریال اعتبار جهت
خرید وسائل و تجهیزات نظامی و بازپرداخت وامهای
دولتی و بازپرداخت بدهیهای دولت به بانکها و
استانهای مختلف و نیز تسویه حسابهای دولتی
معمول آمده است. وزارت امور اقتصاد و دارایی را
مطلع نمایند.
وزیر امور اقتصاد و دارایی
۲۹
۵۶۶

متن سند
سازمان برنامه و بودجه
پیرو نامه شماره ۱۶۵-۲۳-۱۸۰ مورخ
۱۳۵۸ / ۱۲ / ۲۸ وزارت دفاع ملی در خصوص
تقاضای تأمین مبلغ ۲۸ میلیارد ریال اعتبار
جهت خرید وسائل و تجهیزات نظامی و باز
پرداخت وامهای دفاعی در دو ماهه فروردین و
اردیبهشت خواهشمند است دستور فرمائید از
نتیجه اقدامی که در این خصوص بعمل آمده است
وزارت امور اقتصاد و دارایی را نیز مطلع
نمایند.
وزیر امور اقتصاد و دارایی

شاه مرد

متن اعلامیه مربوط به مرگ شاه در
صفحه ۲ درج شده است.

مسئله کابینه و کشمکش های دوجناح

هر روز که میگذرد ما شاهد درگیریهای جدیدی در هیات
حاکمه میان جناح رئیس جمهور و سران حزب
جمهوری اسلامی هستیم. تاکنون در هر مقطع زمانی یک موضوع
خاص در کشمکش میان این دو جناح نقش اساسی یافته و اینک در
میان موضوعات حاد، مسئله انتخاب نخست وزیر و کابینه
جدید به کانون درگیریهای آنان تبدیل گشته و سایر موضوعات
را تحت الشعاع خود قرار داده است.
درگیری بین دوجناح، که در گذشته، در عرصه کلیه ارگانهای
مهم دولتی جریان داشت اینک بعد از وسیعی بخود گرفته است.
پس از تشکیل مجلس کار لیبرالها در برخورد با حزب جمهوری
اسلامی بسیار دشوار شده است. اگر در گذشته لیبرالها در
ارگانهای دولتی دستکم از جنبه قانونی نیروی عمده محسوب
می شدند و از اقدامات حزب جمهوری اسلامی در ارگانهای
دولتی بعنوان "دخالت عوامل غیر مسئول و وجود مراکز غیر
قانونی و چندگانه قدرت" نام برده و آنرا مورد حمله قرار
می دادند، امروز، این "مراکز قدرت غیر قانونی"، نیروی خود
را در قدرت "قانونی" مجلس شورای اسلامی باز یافته است.
هم اکنون، در آستانه پایان یافتن بررسی اعتبارنامه نمایندگان
و آغاز کار رسمی مجلس، کشمکش جناح لیبرال و حزب جمهوری
اسلامی، بصورت درگیری شدید بین دو قدرت "قانونی" یعنی
قدرت "قانونی" رئیس جمهور، قدرت "قانونی" و مجلس که
عمدتاً "در دست حزب جمهوری اسلامی است، منتهی و گشته
بقیه در صفحه ۲

سخنی با رفقای هوادار پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

در صفحه ۹

زمینه های عینی تشدید

فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیک های امپریالیسم
صفحه ۳

مساله کردستان و موضع ما (۳)
اپورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش
خلق کرد را قبی می کنند
صفحه ۵

مردم چه می گویند
صفحه ۸

سرکوب دکه داران
و نظرات مردم
صفحه ۱۰

هادی غفاری یکی از
رهبران چماقداران
اعتراف میکند
صفحه ۱۱

مجلس شورای اسلامی حامی ارتش ضد خلقی

با توجه به مسائل حاد
موجود، چون تورم، گرانی،
بیکاری، مشکل مسکن، سلب
آزادیهای دموکراتیک، سرکوب
خلق کرد و... بینیم عمده
ترین مسائلی که مورد توجه
مجلس شورای اسلامی است
و "نمایندگان منتخب مردم"
را به گفتگوی چند جانبه مشغول
می کند، چیست.
"کیاوش" نماینده مردم
خوزستان در رأی طایفه "کودتا"
بعنوان سخنان پیش از دستور
گفت: "عوامل ضد انقلاب
می خواهند از این حادثه
بهره گیری منفی کنند... لااقل
میان مردم و ارتش مجدداً
تفرقه خواهد افتاد و ملت نسبت
به ارتش بدبین میشود."

(اطلاعات ۴/۲۴/۱۳۵۹)
بزرگ این نماینده، ضد
"انقلاب" می خواهد بین مردم و
ارتش تفرقه بیندازد. و متعاقباً
برای اثبات حرف خود به
گذشته اشاره می کند.
این نماینده مردم در جرای
دیگری از نطق خود گفت: "پنج
شش ماه پیش افرادی از انجمن
های اسلامی قصد کودتا را به
مقامات مسئول گفته بودند،
حتی به سپاه پاسداران و
ابوشریف ولی کسی به این
گزارشات توجهی نکرد..."
می پرسیم چه کسانی

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش



شاه مرد زنده باد توده ها

مرگ شاه مرد و زود خاتمه یابی به کمالهای ننگین حکومتش جز فریب و بدبختی، خانه خرابی و فلاکت برای توده های زحمتکشان میهن ما چیزی بجا نیاورد بود و پیش از این جا معماران سوسیالیستی با امپریالیسم جهانی سروداد نمودند، موجب ضعف و ناتوانی تمامی توده های زحمتکشان میهن ما شد.

در حقیقت، محمد زری مردور از مدت ها پیش یعنی از همان هنگام که هیئت خروش انقلابی توده ها را برقرار داد و است و سپس میل بنیان کن جنبش توده های ایران را باقیام شکوهمند بهمن ماه برای همیشه بسط ننگین رژیم سلطنتی اوزا برچسب زد مرد نمود.

خبا و جناب پنهانی از مزدور سرسپرده امپریالیسم در طی سالها حکومت ننگینش که همراهدار دیکتاتورهای فاسد کسخته و فرافروزی رژیم ترور و خفقان بود، دارای آنچنان ابعاد است که هیچگاه توده های زحمتکشان میهن ما آنهارا فراموش نخواهند کرد.

سرنوشت عبرت آمیز محمد زری مردور، درمیانی است که تاریخ بهیچ وجه نمی تواند فراموش کند رژیم زری را.

سرنویره به حکومت ننگین آن دادند، در جهت استعمار و سرکوب توده های مردم گام بردارند.

تاریخ از مدت ها پیش سرنوشت تمام حکومتها را که با استعمار توده ها و توسل به سرکوب و قهر به حکومت ننگین شان ادامه میدهند و افرادی بطور محض برای مردور را تعیین کرده است. همه آنها به زوال و نابودی تاریخ سرسپرده خواهند شد.

هدف مبارزه توده های زحمتکشان میهن ما نیز اجرای این فرمان تاریخ است.

توده های زحمتکشان میهن ما تحت تاثیر علییرت رژیم سلطنتی تا قیام کردند و آنرا بکوبیدند، بلکه در همان حال خواستار تداوم مبارزه در جهت قطع هرگز ناپذیر استکبار امپریالیسم جهانی میسر کردند و سرکوبی را با خودی سرمایه داران و زمینداران و روشی هرگز ناپذیر استعمار و سرکوب توده های مردم در سرکوبی رژیم شاه، روشهای آزادی ستیز و استعمار، و تحقیر و آسایشی را در شرایط زندگی خود را امید دارند. شرایط رژیم سلطنتی که مصائب و بدبختی های گذشته باستان بخشد، اما آنان که از زمان فردای قیام کردند، راه خباثت نسبت به خنثی کردن مبارزه محدود کنند، و جلومبارزه فاسد امپریالیستی خلفای میهن را در ایران را بکنند، راه خباثت نسبت به خنثی کردن مبارزه میهنان را در پیش گرفتند، خلق ایران هیچگاه مبارزه علییرت رژیم سلطنتی شان را از مبارزه علیه امپریالیسم جهانی فراموش نخواهد کرد و چنانچه توده سلطنتی امپریالیسم در جامعه ایران تا قیام ناپذیر استکبارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و غیره را در پیش گرفته، قطع نشود، مبارزه امپریالیستی، دیکتاتیک آنها با شکست روبرو خواهد شد.

همچنین توده های زحمتکشان میهن ما باید بدانند که مبارزه علیه امپریالیسم و قطع هرگز ناپذیر استکباری بدون مبارزه علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ و برانداختن سرمایه داران و وابسته ننگین نیست، بجای این باز هم حکومتی نظیر حکومت شاه بر مردم تحمیل خواهد شد.

اما باین جهت که اگر توده های تحت ستم، بقیان در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داران را بایستادند، همه خواهد یافت و هر نیروی که در برابر او محمل ناپذیر توده ها مقاومت کند، نیروی هم اندرز رژیم شاه مزدور و وابستگانی تاریخ سرسپرد خواهد شد.

ا کارگران، دهقانان و همزحمتکشان شوروی، روسا، و تمامی نیروهای انقلابی، سرکوب و سرکوبی امپریالیسم آمریکا و وابستگانش داخلش را در پیش می گیرند، اما در همان حال مبارزه را تا نابودی امپریالیسم جهانی، سرکوبی امپریالیسم آمریکا و وابستگانش داخلش ادامه می دهند.

پیروزی توده مبارزات توده های زحمتکشان میهن ما
نابود باد امپریالیسم جهانی سرکوبی امپریالیسم آمریکا و وابستگانش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۹/۵/۶

مسئله کابینه و کشمکش

بقیه از صفحه ۱

است. مسلماً این دو قدرت حتی پس از تعیین کابینه نیز در مقابل هم قرار خواهند گرفت. دور جدید درگیریها، پس از کشف توطئه کودتا، با تاخت و تاز حزب جمهوری اسلامی علیه لیبرالها و رئیس جمهور آغاز شد و سپس با سخنان آیت الله خمینی که مشخصاً "نوکتیز حمله خود را متوجه جناح لیبرالها نموده بود، به اوج خود رسید. این موج جدید تنها جم حزب جمهوری اسلامی که با اقدامات سرکوبگرانه در کل عرصه سیاست تلفیق گشته بود، آنچنان دامنه وسیعی یافت که حتی آیت الله مشکینی در نماز جمعه هم، خواستار محاکمه دولت موقت و هیات "حسن نیت" شد. اما این موج، با سخنان بعدی آیت الله خمینی در حضور فرماندهان ارتش تخفیف یافت. اینبار آیت الله خمینی درست برخلاف نطق قبلی خود، با تاکید بر آنکه حمایت از رئیس جمهور و ارتش وظیفه شرعی "امت مسلمان" است، عملاً در صدد تقویت رئیس جمهور از این طریق لیبرالها برآمد. اما با این وصف، بنی صدر در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی که پس از این سخنان آیت الله خمینی بعمل آورد، نا امیدی کامل خود را نسبت به حل بحران درونی هیئت حاکمه به روشنی نشان داد. در ضمن، مواضع رئیس جمهور در این مصاحبه نشان داد که درگیری او با سران "حزب" نقطه عطف جدیدی را در پشت سر گذاشته است، زیرا او برای اولین بار و بطور بیسابقه و مستقیم به حزب جمهوری اسلامی حمله نمود و تهدید کرد که چنانچه نظریات او در مورد تعیین نخست وزیر و کابینه مسسورد پذیرش قرار نگیرد، هیچگونه مسئولیتی در قبال دولت آینده بر عهده نخواهد داشت.

البته این بدان معنی نیست که حاضر به دادن هیچگونه تسهیلی امتیازی به حزب جمهوری اسلامی نیست و تکیه بر این صدر بر این نکته که انتخاب میر سلیم ناشی از جوتمشخج موجود و بیانگسیر موضع "تفاهم" امیزاوست، گویای این حقیقت است که لیبرالها بخوبی بی باین مطلب برده اند که بدون دادن امتیاز به سران حزب جمهوری اسلامی قادر به حفظ موقعیت سیاسی خویش در دستگاه دولتی نخواهند بود. واقعیتی است که لیبرالها بدون "حزب" و "حزب" بدون لیبرالها قادر به حکومت نیستند. بعلاوه انتخاب میر سلیم از جانب بنی صدر بعنوان نخست وزیر که خود عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی است، بطرز نا امیدانه ای صورت گرفته است، اما بیانگر این مطلب است که لیبرالها با تکیه بر سابق و تجارب سیاسی خویش از بکارگیری تاکتیک های مناسب در شرایط حساس، غفلت نکردند و از اختلافات درونی "حزب" بهره می گیرند. اگر چه طیف شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بطور کلی مخالف با سیاست و تفکر لیبرالهاست، اما نسبت دوری اعضای ن به لیبرالها متفاوت است.

گویا اینکه در شرایط فعلی ما قادر به تعیین دقیق جناح بنسیدی درونی شورای مرکزی حزب نیستیم اما اختلافات درونی آنان بیرویه

در بر خورد شان نسبت به رئیس جمهور و لیبرالها در وضعیت بحران کنونی بیانگر وجود جناح پندیه ای درونی آنست. فی المثل در جریان درگیری آیت و بنی صدر شاهد این اختلافات بودیم و همچنین در موضوع تعیین نخست وزیر می بینیم که بهشتی از میر سلیم نیز پشتیبانی می کند حالیکه آیت ویرا "بعد کافی قاطع" نمی داند. نباید فراموش کرد که تعیین نخست وزیر پایان کار نیست، چه بسا که در صورت تمایل و رای اعتماد مجلس نسبت به نخست وزیر میر سلیم هنگامیکه موضوع تعیین وزراء پیش کشیده شود تمایل به میر سلیم با لکل نقض گردد. در چشم انداز سیاسی آنچه که محتمل است عدم توافق دو جناح بر سر تعیین نخست وزیر کابینه است در این صورت تنها عاملی که می تواند بطور موقت وظاهری شدت اختلافات را تخفیف دهد و نخست وزیر و کابینه را تعیین کند آیت الله خمینی است. آنچه که می توان به یقین گفت آنست که تعیین کابینه بهر صورت و با هر ترکیبی که باشد هیچوجه نمی تواند مبین حل و یا حتی تخفیف واقعی تضاد میان جناحهای رقیب

ادامه مطلب
"بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته" بعطت تراکم مطالب میسر نشد. چاپ دنباله این مطلب به شماره های بعد موقوف میشود.

در هیات حاکمه باشد. آنها هر یک در حالیکه توده های وسیع کارگران و زحمتکشان میهنان از بی کاری، فقر و سرکوبی رنج می برند بر سر کسب قدرت بر تودارگانهای دولتی و پیشبرد سیاستها و روشهای خاص خویش به رقابت جنون آمیزی برخاسته اند. این تضادها چهره طبقه ای را نشان میدهد که می کوشد خود را نمایند توده ها جا بزند. اما واقعیت اینست که آنها به چیزی که فکر نمی کنند وضعیت توده های زحمتکشان میهن ماست. هدف محوری و مشترک هر دو جناح یعنی هم لیبرالها و رئیس جمهور و هم سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی، آیت، رفسنجانی و... همانا تقویت و تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته ایران و حل بحران سیاسی و اقتصادی به نفع سرمایه داران و زمینداران ایران است. آنها برای تحقق این هدف اساسی هر روز بطور وسیعتری به سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان پرداخته و سعی در نابودی جنبش خلقهای ایران دارند. وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی ایران است که توده ها را نسبت به اهمیت اختلافات دو جناح آگاه نماید و آنها را در مبارزات انقلابی شان بسیج و هدایت نمود و موازات تلافی نرزی عظیم انقلابی شان جلوگیری نمایند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



زمینه های عینی تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیک های امپریالیسم

حدت و گسترش بحران سیاسی موجود بر زمین بحران اقتصادی رشد روزافزون نارضاحتی توده ها تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و سرانجام تقویت و رشد روزافزون سازمانهای انقلابی و مترقی، موقعیت حساس و پیچیده ای را پدید آورده و باعث شده است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ هر اسان تلاش های خود را در امر استقرار حاکمیتی وابسته به بورژوازی بزرگ دوچندان کنند و بر این اساس به شیوه های مختلف از جمله طرح توطئه های گوناگون و زمینه چینی برای اجرای کودتا تسلسل جویند.

در چنین شرایطی است که ما شاهد تشدید فعالیت تبلیغاتی و اقدامات توطئه گرانه عناصر ارتجاعی وابسته به محافل سرمایه های بزرگ نظیر سختیاری و سلطنت طلبان از یک سو و فشارهای متعدد اقتصادی - سیاسی و نظامی امپریالیسم از سوی دیگر هستیم. کسیکه نتواند پیچیدگی شرایط کنونی و احساس خطر امپریالیسم و بورژوازی بزرگ را در شرایط بحران موجود درک کند، در برابر یک معما قرار می گیرد که چگونه امپریالیسم به تاکتیک فشار علیه حاکمیتی متوسل شده که عمدتاً بورژوازیست، اپورتونیست ها نیز از همین نقطه آغاز می کنند و می کشند تا با جایگزین ساختن سطحی نگری عامیانه بجای تبیین مارکسیستی پدیده های اجتماعی، دلایلی برای توجیه تسلیم طلبی و سازشکاری خود ارائه دهند و بر این زمینه تبلیغ و ترویج نظرات انحرافی رفرمیستی خود بپردازند، سر مقاله منسدرج خود ارگان "کمیته مرکزی" شماره ۶۷ نیز که طبق معمول حاوی نظرات ناسخ و منسوخ و بیانگر زوایای فکری و تناقض گویی جناح اپورتونیست "کمیته مرکزی" است پس از پرداختن به مسئله کودتا و بیان یک سری کلی با فسی و تناقض گویی سعی کرده است که یک چنین دیدگاهی را در خواننده القاء کند و سرانجام نیز چنین نتیجه گرفته است که:

"در پایان با جاست به سیاست واژگونه و چپ روانه گروه ها و سازمانهای چون اشرف دهقانی، راه افدائی، اقلیت منشعب، راه کارگر، پیکار و شرکا نیز اشاره شود که چگونه پیشداوریها، قضاوت های شتابزده، تحلیلهای کودکانه و پندار با فی های آنان در ستیز با واقعیت های عینی در یکسال و نیم اخیر مدام آچمز شده و از

توضیح حقایق باز ماند و بیانکار واقعیات پنهان برداشت... اکنون لازم است که با بررسی و تحلیل رویدادهای اخیر یک بار دیگر نشان داده شود که آیا سیاست واژگونه و چپ روانه ای را در پیش گرفته و از توضیح حقایق باز ماند ایم، یا "کمیته مرکزی" با تبلیغ سطحی نگری عامیانه در سطح جنبش به توجیه سیاستهای راست خود پرداخته است؟ مادر صمیمه کار عریبه "کمیته مرکزی" نشان دادیم که چگونه جناحهای بورژوازی در شرایطی حتی به جنگ علیه یکدیگر متوسل میشوند، ما همچنین به نمونه کودتا هائی که مدام در آفریقا، آمریکا، لاتین و آسیا، از جانب جناحی از نیروهای ارتجاعی علیه جناحی دیگر و یا از سوی انحصارات امپریالیستی بوقوع می پیوندد اشاره کردیم، اما "کمیته مرکزی" با زهم در شمار اخبار ارگان سراسری خود بهمان استدلالاتی بی اساس خود متوسل شده و از طرح توطئه کودتای اخیر محافل وابسته به سرمایه های بزرگ به نتیجه گیری بیانی مبنی بر انقلابی و فدا امپریالیست بودن، حاکمیت موجود رسیده است. بنابراین مادر این نوشته سعی می کند تا در جهت روشن شدن هر چه بیشتر مسئله با توجه خاص با بیان زمینه های عینی و اجتماعی، سیاسی تشدید فعالیت محافل ارتجاعی وابسته به بورژوازی بزرگ را که مستلزم بررسی وضعیت عینی حاکم بر جنبش توده های، موقعیت هیئت حاکمه، موضع و تاکتیکهای امپریالیسم و بالاخره موقعیت سازمانهای مترقی و انقلابیست نشان دهیم که تغییر تاکتیکهای امپریالیسم و توسل به شیوه های فشار بهیچوجه دلیلی بر ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی حاکمیت کنونی نیست و این مسئله را بررسی وضعیت عینی مستلزم از بررسی وضعیت عینی حاکم بر جنبش توده های آغاز می کنیم.

حقیقت غیر قابل انکاری است که امروز با گذشت نزدیک یکسال و نیم از قیام بهمن ماه ۵۷، در همان حال که ما شاهد عمق یابی وحدت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده های مردم بوده ایم، شاهد جدائی روز افزون و فاصله گرفتن توده های حاکمیت موجود هستیم، حاکمیتی که نه تنها به خواست های توده های مردم پاسخ نمی دهد و در جهت انجام آنها گامهای اساسی برنداشته، بلکه در هر گام خود رودر روی توده ها قرار گرفته و در بسیاری موارد بفرس طرحانه علیه آنها متوسل شده است. طبیعی است که این امر منجر به جدائی روز افزون توده ها و قطع امید آنها از حاکمیت موجود شود. هنگامیکه پیش از قیام توده ها بیخاستند و آشتی ناپذیر و پیگیر در امر سرنگونی رژیم پوسیده و سرگرد شده گام نهادند و سرانجام با خشم انقلابی خود کاسهای ستم "شاهنشاهی" را در هم کوبیدند، سرشار از امیدها و آرزوهائی بودند که به سالیان دراز سرکوب و ستم، فساد و استثمار پایان بخشد. هنگامیکه آنها علیرژیم مزدور شاه قیام کردند خود در پی انجام انقلابی این خواستها و نیازها، این آرزوها و امیدها برآمدند، اما ساشی که در حین قیام شکل گرفت و اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری توده ها به رهبری خرد بورژوازی جنبش و حاکمیت جدید، مانع از آن شد که تغییری ژرف در شرایط زندگی توده ها و در تمامی عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه پدید آید و آنها را از طبقات و اقشار محروم و تحت ستم به اقتضای طبقات حاکم بدل کند، مانع از آن شد که خواستهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های مردم که مستلزم قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به امپریالیسم و دمکراسی بسرای توده ها است، تحقق یابد.

سیر وقایع بگونه ای بود، که گره چند توده ها رژیم سلطنتی را با قهر انقلابی سرنگون کردند، اما ابتکار انقلابی از آنها سلب شد و قدرت از دست جناحی از بورژوازی، بطور عمد به دست جناحی دیگر افتاد و این همان مسئله ایست که "کمیته مرکزی" گرچه زیر فشار شرایط و واقعات سرسخت شرمگینانه مجبور است بدان اعتراف کند، اما نتیجه گیری واژگونه ای از آن می کند، مثلاً آنها در سرمقاله شماره ۶۷ مینویسند:

با پیدایز خود پیروسیم چرا این نهادها که حاصل قیام بودند ارتش شاهنشاهی را حفظ کردند؟ چرا از شخصی مثل بازرگان و گابینه لیسرال او دعوت کردند، که حکومت را تشکیل دهد؟ چرا سرمایه سرمایه داران وابسته را صادره نکردند و چرا سیاست خارجی را طوری پیش نبردند که خلق ایران با کمک متحدین و دوستان خود در سراسر جهان امروز فشارهای اقتصادی امپریالیستی و این اندازه در رنج گزانی و بیگاری ناشی از آن قرار نداشتند؟

چرا در اسرار وزارت خارجه ایران فردی چون قطب زاده دوست امپریالیسم آمریکا قرار داد؟ کسی که چشمی برای دیدن و گوشه ای شنیدن داشته باشد و در پی تحریف و واقعیات و فریب توده های مردم بر نیامد، با شد، پاسخ این چراها را با یادگسی خواهد یافت و "کمیته مرکزی" در این سرمقاله از محافظه کاری و سازشکاریهای که در جمهوری اسلامی و شورای انقلاب شده است سخن می گوید، اما ماهیت این سازشکاری را توضیح نمی دهد آنها نمی خواهند، سازش سران خرد بورژوازی یا بورژوازی را که منجر به شکل گیری "ارگان سازش" شد بپذیرند. از همین روست که در توجیه سیاستهای اپورتونیستی خود به تناقض گویی دچار میشوند، باری قدرت از دست جناحی از بورژوازی عمدتاً به دست جناحی دیگر افتاد و

دولت بازرگان و شورای انقلاب با اتکاء به ارگانها و نهاد های بورژوازی در مسیری ضد انقلابی گام نهادند، جلوگیری نمودند و اگر رفتند، و از این پس بر هر خواست بحق توده ها مهر ناسخ زده شد، و هر صدای حق طلبانه و محنتگشان را در گلو خرد کردند، کارگران را بنام کمونیسم کوبیدند، خلقها را بعتوان تجزیه طلب سرکوب کردند، دهقانان را تجاوزکار نامیدند، دانشجویان را بگلوله بستند و به سازمانهای انقلابی، برچسب ضدانقلابی زدند، خواستها و نیازهای اساسی توده ها تحقق نیافت و این روند همچنان ادامه یافت. بر بستر چنین زمینه عینی است که پرسه جدائی و روی برداشتن توده ها از حاکمیت آغاز شد، کم کم اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری، در پاره های موارد به بی اعتمادی آگاهانه و در پاره های دیگر به بی تفاوتی سیاسی منجر گردید و این پرسه همچنان در حال طی شدن است در یک چنین شرایطی است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ با توجه به مجموع شرایط حاکم بر جنبش و با استفاده از شیوه های مختلف زمینه را برای عملکرد مساعد یا قوت فعالیت خود را در جهت استقرار هر چه سریعتر دولتی یک دست بورژوازی تشدید کرده اند، اما این زمینه های عینی تشدید فعالیت امپریالیسم و بورژوازی بزرگ از جنبه دیگر نیز فراهم شده است و آن بحران درونی هیئت حاکمه و تشدید تضادهای درونی ارگان سازش است.

در اینجا لازم است اندکی مکت کنیم و همراه با توضیح تاریخی ارگان سازش، هدف استراتژیک امپریالیسم و نیز تاکتیکهای آن را در جهت رسیدن به این هدف توضیح دهیم:

اساس پرسه سازش و شکل گیری ارگان سازش، نه پرسه های مکانیکی بلکه سازشی تاریخی بود که محصول مرحله معینی از رشد مبارزه طبقاتی، ناتوانی هیئت حاکمه و امپریالیسم در مهار کردن جنبش توده های و نیز خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری خرد بورژوازی جنبش بود. این سازش بحسب مجموعه شرایط حاکم، ضرورتاً به منتهی و های ستم دار ارگان سازش تمایل شد.

امپریالیسم و بورژوازی بزرگ در برابر رشد جنبش توده های و رادیکالیزه شدن آن، بناچار بقیه در صفحه ۴

زمینه های عینی تشدید

بقیه از صفحه ۳

بودند، از طریق تن دادن به رفرمها و امتیازات موقتی عقب نشینی های تاکتیکی و بر آوردن پاره های از خواسته های سران خرده بورژوازی، در طی یک پروسه رشد مبارزه طبقاتی راسد نماید و تضادهای درونی ارگان سازش را بنفع بورژوازی حل کند، کانال اعمال این سیاست امپریالیسم بورژوازی متوسط، بویژه بورژوازی لیبرال بود. اما ز همان آغاز، قیام خسود انگیزه توده ها و نتایج حاصل از آن، از جمله وارد آمدن ضرباتی

سازش بارهبری خرده بورژوازی جنبش و دادن امتیازات و عقب نشینی های تاکتیکی را مناسب ترین شیوه تامین منافع خود یافتند، بورژوازی متوسط با گرفتن امتیازاتی از بورژوازی بزرگ و یافتن نقش همونیک در حاکمیت سیاسی، وظیفه ساز سازی سیستم راعهده دار شد. ورهبری خرده بورژوازی جنبش که بخاطر همان خصوصیات طبقاتی و قشری خود از رادیکالیزه شدن جنبش توده های و نیرو گرفتن سازمانهای انقلابی و مترقی بهراس افتاده بود، بسازش با بورژوازی تن داد. بدین لحاظ، گرچه با توجه به سطح رشد مبارزات توده ها، شکل گیری ارگان سازش، مناسب تر به راه نجات سیستم بود، اما در همان حال این ارگان بخاطر ترکیب ناهمگون و تضادهای درونی خود، نمی توانست در دراز مدت با همین شکل تامین کننده منافع کامل امپریالیسم و بورژوازی وابسته بزرگ باشد. بلکه این ارگان می بایستی با حل تضادهای درونی خود، به استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ منجر گردد. بنا بر این با شکل گیری ارگسان سازش امپریالیسم یک هدف معین را تعقیب کرده است و آن حل بحران سیاسی، حل تضادهای درونی ارگان سازش، سد کردن رشد مبارزه طبقاتی و بالنتیجه استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ بوده است. اما امپریالیسم تا با مرز در جهت تحقق این هدف استراتژیک خود عمدتاً به دو تاکتیک متوسل شده است و این تاکتیکها دقیقاً رابطه معینی با سطح رشد مبارزه طبقاتی، موقعیت بورژوازی بطور اعم و بورژوازی متوسط بویژه بورژوازی "لیبرال" بطور اخص، موقعیت سران سازشکار خرده بورژوازی، موقعیت گروه ها و سازمانهای انقلابی داشته است. تاکتیک امپریالیسم در مرحله اول از شکل گیری ارگان سازش تا سقوط دولت بازگان، بر این منوال بوده که با توجه به اعتماد نا آگاهانه توده ها نسبت به حاکمیت و در شرایطی که سازمان های انقلابی نقش چندانی در هدایت ورهبری جنبش نداشتند و فاقد پایگاه لازم و موثر توده های

باصطو دولت بازرگان امپریالیسم برای رسیدن به هدف استراتژیک خود به شیوه های دیگر از جمله توسل به فشار روی آورد، تصرف سفارت امپریالیسم آمریکا به خلاف دو دیدگاه انحرافی موجود در جنبش، نه ناشی از عملگرهای حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیست و نه ناشی از توطئه های بورژوازی و امپریالیسم بلکه محصول رشد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بود، نقش موثری در اتخاذ تاکتیکهای توسل به فشار از سوی امپریالیسم داشته است. اما عامل اصلی توسل به روشهای اخیر در چه چیزی نهفته است؟ مادیدیم که امپریالیسم در شرایطی تاکتیک نخست یعنی تاکتیک عقب نشینی، و تن دادن

شرایط، بدون توجه به نقش استراتژیک مبین مادر عرصه معادلات بین المللی، و بدون توجه به رشد سازمانهای کمونیستی، و انقلابی، دست روی دست بگذارند و منتظر آن روز خواهد شد که همین حاکمیت منافعش را بطور کامل تامین کند. خیر؟ امپریالیسم بسته به شرایط از جمله شرایط موجود می کوشد تا با توسل به تاکتیک فشارهای مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی از یکسو، توده ها را بپیش از پیش در حالت فقر، گرسنگی، بیکاری و ناامنی تحت فشار قرار دهد، "نظم طلبی" و "گذشته گرایی" را در توده های نا آگاه تقویت کند، آنها را بحالت انفعال بکشاند و از سوی دیگر در جهت ایزوله کردن جناحهای از هیئت حاکمه در

سیاستهای ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه هیئت حاکمه بویژه سیاست سران حزب جمهوری اسلامی علیه سازمانهای انقلابی، توده های مردم و تضییق حقوق دمکراتیک آنها و مدعی می برد، در همان حال سعی می کند، با رضایتی توده ها را کانالیزه کرده و آنها را بسوی بورژوازی بزرگ سوق دهد. رویدادهای اخیر بوضوح نشان میدهد که چگونه خود هیئت حاکمه کنونی نیز زمینه فعال شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می سازد و آنها را بعنوان آلترناتیوی در برابر حاکمیت کنونی ارائه میدهد. هنگامی که سیاست هیئت حاکمه در جهت حجاب اجباری اجرا می شود و تمامی کسانی را که از اجرای این سیاست ضد دمکراتیک هیئت حاکمه سر باز می زنند، طرفداران بختیار میخوانند، هنگامی که بعضی پاسخگویی و تحقیر سیاسی خواسته های زحمتکش نمایان "زور آباد" برنامه بهم ریختن خانه ها و کاشانه های آنها را بی زیر بند و اعتراض آنها را بنام صدام انقلاب و طرفداران بختیار سرکوب می کنند، و یا اعتراض دیکه داران کنار خیابان را به تیر و هوای ضد انقلاب طرفدار بختیار نسبت میدهند، هیئت حاکمه نه تنها با یک چنین اقداماتی، به سرکوب توده های پر دزد بلکه در همان حال زمینه فعال شدن و مطرح شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می کند، و آنها را بعنوان آلترناتیوی برای احکامات آینده ارائه میدهد. امپریالیسم و بورژوازی همچنان از سیاستهای قشری و ضد دمکراتیک سران سازشکار خرده بورژوازی استفاده می کنند و سعی مینمایند توده های مردم را از توجه به ریشه های عمیق بدخترکی و فلاکت خود منحرف کرده و تمامی مصائب و مشکلات را نتیجه مداخله روحانیت در امور سیاسی و سیاستهای قشری آنها معرفی کنند. آنها می کوشند که مبارزه طبقاتی را منحرف کرده و توده ها را از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بسوی مبارزه علیه آخوندها سوق دهند. بنا بر این بی بینیم که نه تنها شرایط اقتصادی موجود بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی زمینه های تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تغییر تاکتیکهای امپریالیسم را پیش آورد است و این امر بهیچوجه نمی تواند دلیلی بر ماهیت مترقی و انقلابی حاکمیت کنونی باشد.

عملگردهای تاکتیک توسل به فشار از سوی امپریالیسم در میان در مشاهده اقتصادی هر چند بشکلی ناقص آن، زیر کسه یا توجه به اهمیت تاکتیک کنونی، این محاصره نمی تواند واقعی باشد [فشارهای سیاسی، فشارهای نظامی و غیره دیت]

به امتیازات و رفرمهای موقتی را اتخاذ کرد و به دلیل از هر چیزی توده ها به حاکمیت جدید اعتماد داشتند، اما در مرحله دوم هنگامی که تاکتیک فشار متوسل شده است که توده ها اعتماد خود را به حاکمیت پیش از پیش از دست میدهند و از آن جسدا می شوند. علاوه بر تاکتیک در شرایطی اتخاذ شده است که از یکسو بورژوازی متوسط نتواند خود را در حل بحران اقتصادی و سیاسی و تخفیف تضادهای درونی ارگان سازش نشان داده است و از سوی دیگر بیست جناحهای حاکم درگیری حادی بروز کرده است. در چنین شرایطی از ناتوانی هیئت حاکمه در پاسخگویی به مسائل توده های مردم، حدت تضادهای درونی ارگان سازش و در شرایطی که نیروهای انقلابی و مترقی بیش از پیش توده های وسیعی را بجانب خود جلب می کنند، امپریالیسم و بورژوازی وابسته هر اسان از نفوذ و قدرت گیری سازمانهای چپ فعالتر وارد میدان شده اند. این تصور یقینت خام و کودکانه است که چنین پنداریم، از آنجا که حاکمیت موجود عمدتاً "بورژوازی است، و بالاخره، پس از طی مدتی منافع امپریالیسم بنحو کامل تامین خواهد شد، به همین امپریالیسم بدون توجه به مجموع

جهت حل تضادهای حاکمیت بکوشد و زمینه مادی لازم را برای استقرار هر چه سر بعت حاکمیت بورژوازی بزرگ فراهم سازد. بدین منظور امپریالیسم حتی به شیوه های قهراً میزوتوسل به کودتا نیز که نمونه های فراوان آن در کشورهای آسیای افریقای و آمریکای لاتین دیده ایم، متوسل میشود، که این خود میتواند ساز درون هیئت حاکمه و یا از بیرون آن نظیر طرح اجرای کودتای اخیر، صورت گیرد. فشار از سوی امپریالیسم را میتوان در محاصره اقتصاد هر چند بشکل ناقص آن، (زیرا که حسد توجه به ماهیت حاکمیت کنونی، این محاصره نمی تواند واقعی باشد) فشارهای سیاسی، فشارهای نظامی و غیره دیدیم. بنا بر این بی بینیم که در همین شرایط نیز "فعالتهای تبلیغاتی امپریالیسم و محافل وابسته به بورژوازی بزرگ از طریق رادیوهای صدای آزاد، رادیو آمریکا، رادیو بغداد، تشدید شد و ارتجاعی ترین نمایندگان بورژوازی نظیر بختیار و سلطنت طلبان نیز فعال شده اند. آنها می کوشند که با توجه به شرایط موجود خود را بعنوان تنه آلترناتیوی برای پاسخگویی به نیازهای توده های مردم جا بزنند. امپریالیسم که از یکسو از

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



مسئله کردستان
و موضع ما (۳)

اپورتونیستها خصلت عادلانه جنبش
مقاومت خلق کرد را نفی می کنند!

در شماره گذشته به بررسی نظریات اپورتونیستی "کمیته مرکزی" درباره ماهیت و خصلت سیاست های هیئت حاکمه در کردستان و درگیریهای بین ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیانها و اویسی ها و... و دولت مرکزی پرداختیم و نشان دادیم که چگونه آنها میکوشند سیاستهای بورژوازی و ضد دموکراتیک حکومت را سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد نموده و مبارزات خلق کرد را تحریف نمایند.

آنها برای توجیه مشی رفرمیستی و سازشکارانه خویش میکوشند ماهیت و خصلت قدرت دولتی را که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط است، انقلابی، ضد امپریالیستی و خرده بورژوازی معرفی کنند. لذا از آنجا که تحلیل های شان با واقعیت موجود در تضاد آشکار قرار دارد در چار تناقض گوئی های مکرر میشوند و ناچار به تحریف واقعیات می پردازند.

اپورتونیستهای نوپا که با تحریف مضمون طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه، ضد امپریالیستی و انقلابی جلوه دادن این سیاستها رهبری مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت سپرده اند. با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه جنبش مقاومت خلق کرد، صرفاً به محکوم کردن جنگ پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میکویند و می نویسند.

سیاستهای جنگ طلبانه به تشدید خصومت ملی میان خلقهای ایران انجامیده" (سر مقاله ارگان سراسری کمیته مرکزی شماره ۶۵) "و ادامه جنگ در کردستان به معنی رویارویی هر چه بیشتر مردم در برابر هم و به معنای آنست که بخش بزرگی از نیروی مردم ما از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا یعنی توان دشمن اصلی خلقهای ایران منحرف شده و به دشمنی میان صفوف خود تبدیل گردد" (بیانیه) باره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی کردستان

اپورتونیستهای جنگ را محکوم می کنند بدور آنکه خصلت آنرا معین کرده باشند. آنها از جنگ برادر کشی و رویارویی مردم با مردم، و به انحراف کشاننده

شدن بخش بزرگی از نیروی مردم در جبهه علیه امپریالیسم صحبت می کنند، بدون آنکه مشخص سازند که بخش بزرگی از مردم توسط کدام نیروها به انحراف کشیده شده اند.

آیا این نیروها، نیروهای سیاسی حاکم هستند که بخش بزرگی از مردم را بعلت ناآگاهی شان علیه مبارزات عادلانه خلق کرد بسیج می کند و از مبارزه علیه امپریالیسم منحرف می سازند و ارتجاعی و سازشکارانه را به سرکوبی توده های زحمتکش خلق کرد گسیل می دارند، یا نیروهای انقلابی هستند که از مبارزات عادلانه خلق کرد دفاع می نمایند؟

برای اپورتونیست ها صرفاً محکوم کردن جنگ مطرح است و نه چیز دیگری. چرا که به "صلح اجتماعی" می اندیشند. آنها فراموش کرده اند که لنین می گفت: "سوسیالیست ها هرگز مخالف جنگهای انقلابی نبوده و نمیتوانند باشند". (لنین بر نامه جنگی پرولتاریائی) و کسی که مبارزات طبقاتی را قبول دارد نمیتواند

جنگهای داخلی را بنامها دامو تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی، قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر موبد این اصلند. نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به منتهای درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است (همانجا)

آنها این جنگ، یادست تریگویم سرکوب قهرآمیز زحمتکشان خلق کرد را توسط ارتش و پاسداران، جاشها و... رویارویی مردم با مردم مینامند. لابد در نظر آنان ارتش مردم است. و نیروهای که با هواپیما های فانقوم به بمباران کودکان، زنان، و خلاصه مردم بیگناه اقدام می ورزند توده ها هستند. و شاید از همین نگاه است که آنان، مغز توده های خلق کرد را با ارگانهای سرکوبگر، رویارویی خلق کرد با مردم قلمداد میکنند. اینها مشتی از واقعیات تلخی است که هر ناظر آگاهی براحتی میتواند مشاهده کند اما اپورتونیستها، بنام ماهیت شان حاضر نیستند واقعیت امر را، که روشن و عیان است برای توده ها بازگو نمایند. می نویسند:

"هیچگاه فراموش نمی کنیم که همواره این ارتش و سپاه پاسداران بوده اند که شهرها و روستاهای کردستان را بمباران کرده و هزاران تن مردم کردستان را به شهادت رسانده اند. ولی ما انقلابیون کمونیست وظیفه خود را تکرار این واقعیات نمی دانیم" (سر مقاله ۶۵)

البته شما که بناحق خود را انقلابیون کمونیست نامیده اید، وظیفه ندارید این واقعیات را برای توده های ناآگاه مردم در مناطق توضیح دهید و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه را فاش سازید. چنین امری (افشاگریهای سیاسی) وظیفه انقلابیون کمونیست راستین است.

لنین درباره اهمیت افشاگریهای سیاسی برای تربیت و تشکل پرولتاریائی می نویسد:

"معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده ها را با هیچ چیز نمیتوان تربیت نمود مگر بوسیله همین افشاگریها. بنابراین چنین فعالیتی یکی از مهمترین وظایف تمام سوسیال دموکراسی بین المللی است. زیرا طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد باید بر متاسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر و قوف کامل و از آن تصویری داشته باشد... و قوف و تصویری که تنها دارای جنبه تئوریک نباشد... یا بعبارت صحیحتر، بنای آن بیشتر بر تجربیات حیات سیاسی باشد... این افشاگریهای همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پسرورش روح فعالیت انقلابی توده ها میباشد.

(لنین چه یاد کرد تا کیدها از لنین است) از نظر اپورتونیستهای ماضورتنی ندارد که توده های مردم از آنچه در کردستان میگردد اطلاع یابند و تصویری درباره نقش ارتش و پاسداران، مناسبات نیروهای اجتماعی مختلف، سیاستهای هیئت حاکمه در آنجا و جنبش مقاومت خلق کرد داشته باشند. چرا که هدف آنان کشاندن توده های مردم به عرصه عمل انقلابی و تربیت و تشکل نیست بلکه آنها توده ها را به دنباله روی از حکومت فراخوانده پیش ازین به ناآگاهی و توهم آنان دام میزنند تا

بتوانند بندوبست های شان را با حکومت و ترک نمودن سنگر مبارزه توده ها را توجیه نمایند.

توضیح حقایق برای توده ها تمام رشته های اپورتونیست ها را پنبه خواهد کرد و ماهیت آنان را

برای توده ها فاش خواهد ساخت و آنها دیگر قادر نخواهند بود توده ها را بفریبند و سیاستهای این حاکمیت بورژوازی را خرده بگیرند و ضدامپریالیست و انقلابی معرفی کنند.

آنها تنها این واقعیات زنده را برای توده های ناآگاه توضیح نمی دهند، بلکه واقعیات را تحریف کرده و وارونه جلوه میدهند و به دروغ برداری و تحمیق توده های خلق جهت منحرف کردن مبارزات شان، و توجیه تسلیم طلبی های خود می پردازند. مینویسند: "خلق کرد باید بداند که در نتیجه ادامه جنگ در کردستان به جدائی و خصومت میان خلق کرد سایر خلقها چنان دامن زده اند که امروز بخش بزرگی از توده های مردم در سایر نقاط ایران نسبت به بمباران شهر ها و کشتار زنان و مردان و کودکان در کردستان با بی تفاوتی نگریسته و بسیاری موارد اظهار خوشحالی می نمایند" (بیانیه - تاکید از ماست)

آیا راستی چنین است؟ و در سایر مناطق بخش های بزرگی از مردم از بمباران و کشتار کودکان و زنان بیگناه کرد ابراز خوشحالی می نمایند؟! باید پرسید در کدام نقطه از ایران مردم به قضیه چنین نگاه کرده اند! اگر اینطور بود مسلم بدانید که دولت جمهوری اسلامی بهاران شهرها و کشتار کودکان و زنان و مردان بیگناه را از توده

ها پوشیده نمی داشت. توده های زحمتکش ایران هیچگاه کشتار کودکان و زنان و مردان و انقلابیون را تأیید نکردند و نخواهند کرد اگر می بینید در اینجا و آنجا توده ها بعلت ناآگاهی و تبلیغات مسوم کننده رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... از سیاست حکومت در کردستان پشتیبانی می کنند به دلیل شادمانی شان از کشتار مردم بیگناه و تأیید چنین سیاست هاست بلکه بعلت ناآگاهی شان از واقعیات موجود و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان است همان واقعیاتی که توضیح آنها را به توده ها و وظیفه خود نمیدانند و تکرار واقعیات می نماید.

هیئت حاکمه با تبلیغات وسیع میکوشد مردم بقبولانده در کردستان با توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی طرف نیست بلکه با یک مشت عناصر وابسته به امپریالیسم و بعث عراق در حال جنگ است. توده ها بیگانه از ماهیت واقعی آنچه در کردستان میگردد بی خبرند و اعتماد ناآگاهیهای به هیئت حاکمه دارند در فریب تبلیغات آنان را می خورند و شما نیز با بزرگ جلوه دادن فعالیت ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیانها و اویسی ها و... و سکوت درباره مبارزات عادلانه و بحق توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی و مترقی، با این سیاست ارتجاعی و فریب کارانه هیئت حاکمه همسوس شده و همگام با آنها در جهت مخدوش کردن ماهیت واقعی و خصلت بقیه در صفحه ۶

سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

کردستان و
موضع ما

اپورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش مقاومت

عادلانه مبارزات خلق کرد و فریب نوده های مردم گام بر میدارید. ماه عینمه مشاهده کردیم که حتی برخی از کسانی که داوطلبانه و برای "جنگ با کفار" به کردستان رفته بودند زمانیکه با واقعیات تکان دهنده روبرو شدند و مشاهده کردند که نه از نبره ای سرکوب عوامل امپریالیسم بلکه برای سرکوب نوده های خلق کرد و نیروهای انقلابی روانه کرده اند، از عمل خود پشیمان گشتند و از ادامه سرکوب نوده ها خودداری نمودند.

ما شاهد بوده ایم که انتشار اخبار واقعی کردستان، چاپ عکس های اعدام و کشتار نوده های خلق کرد و انقلابیون، توضیحات، اعلامیه ها و بیانیتهای آگاهرانه نیروهای انقلابی درباره مبارزات خلق کرد، چگونه احساس حمایت از مبارزات خلق کرد را در نوده های مردم بوجود می آورد و چگونه ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه برای مردم روشن می گشت و حکومت را به تنگنای انداخت.

اما اپورتونیست ها توضیح واقعیات جنگ در کردستان و افشاگریهای سیاسی آنرا که ماهیت حکومت را برای توده ها روشن خواهد ساخت، "تکرار واقعیات" نامیده و وظیفه خود نمیدانند. ولی تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن قضایا، دروغ پردازی و فریب نوده ها را وظیفه خود دانسته و فعالانه در آن جهت تلاش می نمایند. آنها نه تنها در جهت زدودن اعتماد ناآگاهانه نوده ها نسبت به حاکمیت و مقابله با تبلیغات مسموم و فریبکارانه آن قدمی برنمیدارند بلکه به توهمات دامن میزنند و حتی بالاتر از آن ارزش آگاهی نوده ها (آگاه شدن آنان نسبت به ماهیت ضد انقلابی سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان و فاصله گرفتن آنها از حکومت) ابراز نگرانی کرده می نویسند:

"تعمیب سیاست سرکوب از جانب هیئت حاکمه در کردستان امروز باعث گردیده که مردم در ابعاد گسترده ای از حاکمیت فاصله گیرند و مواضع ضد امپریالیستی آن را درک نکنند"، (سرمقاله ۶۵) و لابد از نظری اپورتونیستی نویا، نوده ها تشکیک بعلت اعتماد ناآگاهانه، از حکومت و سیاستهای آن پشتیبانی می کنند "مواضع ضد امپریالیستی! آنرا درک کرده اند؟! و دچار توهم نیستند. ولی بخشی از نوده ها که در برزخ روزمره و با تجربه از سیاستهای هیئت حاکمهی به ما هیئت آن برده و اعتماد ناآگاهانه شان به بی اعتمادی آگاهانه تبدیل گشته است، به عدم درک "مواضع ضد امپریالیستی" حکومت! متهم میگردند."

و بدین گونه اپورتونیستها با دامن زدن به توهم و ناآگاهی توده های مردم و تحریف واقعیات عملا به بورژوازی خدمت می کنند. بی جهت نیست که اپورتونیستها این نماینده بورژوازی به آنها میگوید: "قبول کنید که در طول این مدت نسبت به شخص من و امثال من درست عکس این عمل کردید... و از این روست که در آن، اوج تبلیغات علیه ما، تعجب نمی کنیم و می توانیم فراموش کنیم... پس شناسائی اینکه افراد قابل اعتمادی هستیم یا نیستیم کار آسانتری است ولی شناسائی آقایان ممکن است یک قدری زمان ببرد. ما تحقیقا میتوانیم این کار را بکنیم و تحقیق راوی همه افراد و گروهها میشود این کار را کرد. اگر شما موضع نامتناهی واقعا بیاید یک مطالعه دقیق بکنید به این موضع سیاسی و اجتماعی که اعلام کردم، این اعتماد تبلیغ می خواهد یک طوری تبلیغ هم بکنید که روی آنها اثر بگذارد (روی مردم کردستان)

نمیخواهیم روی ما اثر بگذارد، ما احساس نیاز به تبلیغ شما شخصاً نمی کنیم، به این اعتبار که خطمان این احساس نیاز را نمی کند. نه اینکه ارج نمی گذاریم تبلیغ شما را، نه اینکه گرامی نمیداریم ولی خطمان اینست که بنیائیم بگوئیم و صحبت کنیم. اگر میتوانید بصورت گسترده با مردم کرد صحبت کنید، بروید صحبت کنید، اگر میگوئید این عملکرد ناشی از گذشته است، به آنها نگوئید که این کار دولت فعلی است به آنها نگوئید دولت فعلی چنین خواهد کرد، به آنها این اصل را بگوئید که بیائید، تنها نیستید، ما با هم هستیم، فقط اعتماد به ما کافیست این خیلی روشن است" (مصاحبه با بهشتی). و از آنان می خواهد که "حسن نیت" بخرج دهند و اعلام کنند که ایشان فردی ضد امپریالیست و انقلابی "هستند. تا بدین وسیله با سوء استفاده از نام و اعتبار فدائوسی و

اپورتونیستهای نویا که با تحریف مضمون طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه، و ضد امپریالیستی و انقلابی جلوه دادن این سیاستها رهبری مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت سپرده اند. با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه جنبش مقاومت، خلق کرد، صرفاً به محکوم کردن جنگ پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میگویند.

اعتمادی که نوده ها بعلت مبارزات پیگیر و فداکارانه به فدائیان دارند، نوده هایی را که در تجربه خویش و در نتیجه فعالیت آگاهرانه و روشنفکرانه انقلابیون پی به ماهیت ایشان برده اند، دوباره دچار توهم سازند!

اپورتونیستها مجبورند چنین تحریفاتی نموده و به توهم نوده ها دامن زنند تا بتوانند سیاست تسلیم طلبانه و روی برنافتن شان را از مبارزه انقلابی و بنسب و بست شان را با هیئت حاکمه موجه جلوه گرانند. آنها مجبورند با حقایق ران تحریف کرده و وارونه نشان دهند یا سکوت کرده و حقیقت را کتمان کنند. این از خصوصیات بارز اپورتونیسم است. پیش کسوت "کمپته مرکزی" آقای کیانوری نیز در بررسی علل تغییر سیاست هیئت حاکمه در کردستان میگوید: "تمام مسائل حاکم از این است که عامل مقاومت خلق کرد معامل تعیین کننده در اتخاذ این سیاست نبوده است البته ما در این زمینه دلائل فراوان دیگری نیز داریم که نمی توانیم بیان کنیم (پرسش و پاسخ شماره ۶ کیانوری - تاکید از ماست). آری اپورتونیست ها نمی توانند "دلائل فراوان" شان را برای نوده ها بیان کنند چرا که هشت شان در پیشگاه نوده ها بازمی شود و مردم پی به حقیقت می برند در آن صورت حنای اپورتونیست ها دیگر از این هم بی رنگ تر خواهد شد.

اما واقعیات آنقدر روشن و آشکار است که اپورتونیستها قادر نخواهند بود، سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه را در کردستان، انقلابی، ضد امپریالیست و خرد بورژوازی جلوه گراخته و نوده ها را فریب دهند.

حال بیستیم اپورتونیستهای از تحریف حقایق روشن و سپردن رهبری انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی به حکومت تحقق خواستهای بحق خلق

کرد را چگونه می بینند. بقیه از صفحه ۵ آنها از نوده های زحمتکش خلق کرد میخواهند که از مبارزه انقلابی برای دستیابی به خواستهای برحق خویش انصراف حاصل نموده و تحقق این خواستها را در حکومت انقلابی طلب کنند. ولی بازم دچار تناقض گوئی میشوند. آنها می نویسند:

"طرح خواستهای حداکثر از آنجا که قابل وصول نیست به معنای ادا نمیکند است." (بیانیه) آنها توضیح نمی دهند که چرا خواستهای حداکثر خلق کرد قابل وصول نیست. آنها به تجربه دریافته اند که چنین است و دولت جمهوری اسلامی حاضر به قبول خواستهای خلق کرد نیست. البته ما نیز معتقدیم که خواستهای حداکثر خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل وصول نیست و در محدوده تنگ بورژوازی قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر مناسبات سرمایه داری وابسته صحنه گذارده است انتظار برآورده شدن خواستهای واقعی خلق کرد بی مورد است چه خصلت قدرت حاکمه (که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط قرار گرفته است) نفی دمکراسی بطور عام و نفی حقوق دمکراتیک خلق کرد بطور خاص می باشد. ولی آنها که حکومت را انقلابی و ضد امپریالیست و انمود ساخته و از پیروزی انقلاب دمکراتیک و ملی دم میزنند و رهبری مبارزات ضد امپریالیستی و پیشبرد انقلاب را به هیئت حاکمه میسپارند، چگونه میخواهند این تناقض در گفتارشان را توجیه نمایند. آنها خود میگویند:

"سیاست های جاری در قطعنامه مجلس شورای اسلامی که به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی خلق ها تاکید دارد." (سرمقاله ۶۵) که این سیاست های جاری در قطعنامه، سیاستی است که دولت جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ماه تا کنون پیگیرانه دنبال نموده و در قانون اساسی به آن رسمیت بخشیده است و مجلس "شورای اسلامی" نیز آنرا ادامه میدهد. البته این سیاستها کاملاً با خصلت و ماهیت طبقاتی قدرت حاکمه در تطابق است و بهیچوجه ناشی از "توهمات" و یا "ناآگاهی" جناحهای از هیئت حاکمه نیست.

آقای بهشتی در مذاکره اش با نمایندگان "کمپته مرکزی" در برابر درخواست ایشان کمی گویند: "اگر آن حداقل حقی که در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل قبول هست برای مردم کرد در نظر گرفته نشود این صلح بوجود نمی آید." پاسخ میدهد:

"نه ما نمی تازیم زاست گفتیم اگر چیزی را عمل کردیدی مردم منطقه های دیگری را بدین روشها میبندیم. دیگر داده این میشود امتیاز، امتیاز یعنی از مردم بجز بخش دیگری از مردم."

اما اپورتونیستها که خود چنین اظهار نظرهای نسی درباره سیاستهای هیئت حاکمه نموده اند بناگاه هم این گفته های خویش را فراموش کرده می نویسند: "خلق کرد میتواند در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را به جنگ آورد و حفظ نماید." (سرمقاله ۶۵ تاکید از ماست) و در جای دیگری می نویسند:

"اولین نظریه ایست که می اندیشد، تحقق پارهای از خواستهای خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود با دولت قابل وصول است و میتوان بر سر آن خواستها با حکومت به مذاکره نشست، این نظر اعتقاد دارد بقیه در صفحه ۷

با تکیه به نیروی نوده ها برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بکوشیم

مجلس شورای ...

بقیه از صفحه ۱
خلفهای کرد و ترکمن برخاستند و خواستند در درجه اول بوسیله همین ارتش، مقرر شود که شده، نیشه بر پشه شوراها می بزنند. شوراها بی که پایه های پوسیده نظام گذشته ادر هم می ریخت و هر چه بیشتر در ارتقاء سطح آگاهی توده های مردم نقش داشتند.

اطلاعات دردنباله گزارش خود از دیگرو صحبت های پیش از دستور نماینده خوزستان آورده: "آقای کیاوش با اشاره به نقشه های که توسط گران در خوزستان داشته اند وارد جزئیات ماجرا شد و رئیس مجلس با این تذکره عنوان بعضی از مسائل در جلسه علنی مقرر شد به مصلحت نیست، آقا کیاوش خواست که کلی تر صحبت کنند و حجت الاسلام خامنه ای نیز گفت رئیس مجلس رانائید کرد و باز سخنران بعدی جنس روحانی اشاره به نطقه های اخیر کرد و مساله آتش سوزی را که اخیراً در یکی از مراکز مهم اسلحه و مهمات موجود آورد و اند مطرح نمود که، اگر این انبار منفجر می شد نصف تهران را خاک یکسان میکرد و نتیجه گرفت که این آتش سوزی عمدی است و این چهارمین مرتبه است که اجرا شده است. ناطق سپس به بی توجهی، مسئولان امور و بخصوص بارز و وزارت دفاع که ادا عاگرد بود این یک اشتباه ناشی از سهل انگاری است، انتقاد کرد و نطقه های دیگری در رابطه با مسائل ارتش مطرح ساخت، که مورد اعتراض رئیس جلسه قرار گرفت و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز یادآور شد که نباید چنین مسائلی را بطور علنی مطرح کرد.

این آقایان، این نمایندگان منتخب مردم - چه از جناح "لیبرالها"، (کسی که ریاست سنی مجلس را به عهد داشت)، چه از حزب جمهوری اسلامی (حجت الاسلام سید علی خامنه ای، رفسنجانی) و چه پست وزارت دفاع، معتقدند مصلحت نیست که چنین مطالبی در پیشگاه مردم عنوان شود، چرا که اینان در موضع تحکیم قدرت سرمایه داری و نیز سرکوب نیروهای انقلابی، اتفاق نظر و اتحاد بینشان وجود دارد.

چمران این عامی است

امریالیزم، این دشمن آشتی ناپذیر، در پی کج کردن ترکمن، ... چمران و ... می گوید: "ما باید بدانیم که به ارتش نیاز هست یا نیست. که اگر هست در نابودیش نباید بکوشیم ... ظهور نژاد مورد قبول همگان است، حتی با فوری از دو ماه قبل این توطئه را بر رئیس جمهور گزارش می داد. ... مسائلی که حالاً آن دست و پنجه نرم می کنیم خرابکاری نهادهای انقلابی نیست بلکه فقدان دیسپلین در آنجا است."

در رابطه با کودتای چریزی رامی توان از مردم پنهان نگاه داشت و پیاواعتی امر را در گروته جلوه داد. مردم باید بدانند و در پی آنند که میدانند علیرغم باخبر بودن از کودتای فریب القوم امریکایی (اطلاعاتی که راجع به کودتا، آتش سوزی های عمدی و ... در دو ماه قبل به سپاه پاسداران و رئیس جمهور داده شده بود) چرا، حاکمیت و نمایندگان ضلوع امریالیست! "آنها، نه تنها از آن دم نزدند بلکه در تمام روزنامه های خود از طریق رادیو تلویزیون به تجلیل و تائید ارتش جمهوری اسلامی در همان زمان پرداختند و مرتباً از استقبال با شور مردم در کردستان "از برداران ارتش" و تشیع جنازه ها و روزهای آنان داد سخن میدادند!

چمران از "ظهور نژاد" آن عنصر جنگ طلب که دستش به خون دهان و زخم گشکان در آذربایجان غربی و خلق کرد آغشته است، تقدیر بعمل می آورد. این افسر ارتش نیا هنیاه می همان کسی است که آقای مهدی بهباد ران نماینده اعزامی "آیت الله منتظری" از نقش پلیدش در جنایت هولناک "دهکده ی فارنا" یاد کرد و گفت از جمله ی مسلمان اصلی کشتار در غرب کشور است. بیشتر بگوئیم: این افسر ارتش شاهنشاهی از غاملان جنگ نغده، تجاوزات فتودالها و زمینداران ترکور، و مرگور، شیخ گزگسک و ... علیه دهقانان بوده است. این "جناب" کسی است که از "مسعود" و "ادریس" بارزانی و

سایر عناصر "قباد موقت" (سر سپردگان سیا، ساواک و موساد) در جهت تحکیم خلق کسب و استفاده و حمایت کرد. و بساز همین آقا آن عنصری است که زمینداران و سرمایه داران لافده و آذربایجان غربی، امشبال "فرود" و "بهن خسروی" و "عظیم متوری" را با مبلغ گزاف و سلاح های فراوان علیه دهقانان و زحمتکشسان آذربایجان غربی و کردستان مسلح کرد و طرح کشتارشان را به مرحله اجرا در آورده است!

با چنین شمایی، بساز حرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی این است که: این ارتش نباید تضعیف بشود! برایشان دیسپلین ارتش ضد خلقی مهم است. ارتشی که سالها به قتل عام مردم پرداخته است و در روزهای هفده شهریور روزهای دیگر قبل از قیام مردم را بگلوله می بردت و بالاخره حرف آخر نمایندگان محترم این است که: "همه چیز را نباید مردم بدانند، چون مصلحت نیست!"

درواقع مسئله مجلس شورای اسلامی، همان مسله همیشگی بورژوازی است! اینکه توده ها را در نا آگاهی نگاه دارد و از طریق نیروهای سرکوب، که در اختیار گرفته است، حرکت های آگاهانه و سازمان های مترقی توده های را، تضعیف و نابود کند. از همین روی، برای مجلس شورای اسلامی مهم نیست که وقت خود را صرف حل مشکلات توده ها کند!

مجلس شورای اسلامی لازم نمی داند که از تورم، گرانی، بیکاری، مشکل مسکن، فقدان دمکراسی و سرکوب نهادهای دمکراتیک و جز آن صحبت بشود. انگار این توده ها نبودند که آنها را به مجلس فرستادند! دولت حاکم و نمایندگان منتخب "روز به روز" فرو می ریزد، هر چند که سیاست ارگانهای دولت جمهوری اسلامی در جهت هر چه بیشتر جلوگیری از رشد آگاهی توده ها است. اما توهم خوشبینانه توده ها نسبت به دولت حاکم و "نمایندگان منتخب" روز به روز در هم می شکند. در این میان وظیفه نیروهای انقلابی و افراد آگاه است که با توجه به جریانات موجود در میهنمان، هر چه بتوان ترس افشاکاری سیاستهای کاذب و مردم فریب بیرازند!

توجه از صفحه ۶

طرح خواسته های حداکثر آنجا قابل وصول نیست به معنای ادامه جنگ و درگیری خواهد بود. (بیانیه تاکیدها از ما است)

در جایی از "بسیاری از حقوق دمکراتیک صحبت می شود و در جای دیگر از "پارهای از خواسته ها" که خلق میتواند به جنگ آورد و حفظ نماید. ولی مشخص نمیگردد این کدام خواسته های دمکراتیک خلق است که در شرایطی که هیئت حاکمه به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی خلق ها تاکید دارد. از "طریق مذاکره و گفت و شنود با دولت قابل وصول است." این خواسته ها بر اساس کدام تحلیل از اوضاع سیاسی، تناسب قوای طبقاتی و خصلت و ماهیت قدرت دولتی و ... تعیین گردیده است. آیا برآستی پس از یکسال و نیم تجربه کردن سیاستهای هیئت حاکمه هنوز هم اپورتونیستها ادعا می کنند که بسیاری از خواسته های دمکراتیک خلق کرد از طریق گفت و شنود قابل وصول است؟ و "انقلابیون کمونیست وظیفه دارند برای رسیدن به چنین مصالحه ای در کردستان با تمام نیرو کوشش کنند" (سرمقاله ۶۵) و البته اهرور و رسیدن به چنین "مصالحه" ای مذاکره و گفت و شنود است؟

اما علیرغم تمام حقایق روشن، اپورتونیستها مدعی اند که بسیاری از خواسته های دمکراتیک خلق کرد قابل وصول است و تنها مشکل "نا آگاهی" و "جنگ طلبی" جناحی است! از هیئت حاکمه است که آن هم با مذاکره و گفت و شنود رفع خواهد شد! آنها همچنین مشخص نمی کنند که بالاخره خواسته های حداکثر خلق کرد چگونه تحقق خواهد یافت و آیا خلق کرد برای تحقق خواسته های حداکثر خویش باید به مبارزه انقلابی ادامه دهد یا از مبارزه بخاطر این خواسته ها و طرح خواسته های حداکثر منصرف گردد؟ دولت جمهوری اسلامی چگونه "بسیاری از حقوق دمکراتیک خلق کرد" را تا مین خواهد نمود و این "بسیاری خواسته ها" چگونه به چه طریق می بخواسته های حداکثر تحول پیدا خواهد کرد؟ آیا آنها نیز همچون بیش کسوتان شان، اپورتونیست های حزب توده چنین می اندیشند که "دموکراسی انقلابی" جمهوری اسلامی در تحول مسالمت آمیز به سوسیالیسم گذار خواهد کرد و بدین ترتیب تحول تدریجی و رفرف م های مختلف، خلق کرد به خواسته های واقعی خویش دست خواهد یافت؟ اگر چنین می اندیشند که جوهره تحلیل ها بر شان مشحون از چنین اندیشه های است، چرا صراحتاً "انرا اعلام نمی کنند؟ و اگر جز این است پس چرا آنرا با مردم در میان نمی گذارند؟ آنها باید موضع خود را در این موارد بطور صریح روشن برایشان توده ها توضیح دهند و نیز از این در برده سخن

نگویند. البته ما میدانیم که هدف آنان از در برده سخن گفتن و اظهار نظرهای ضد و نقیض و بهم بافتن بازر گذاردن راه برای توجیه سیاستهای اپورتونیستی و سازشکارانه و بندوبست شان با قدرت حاکمه است. آنها نهایتاً "میخواهند مبارزات خلق کرد را در وجه مصالحه سازش خود با حکومت قرار دهند. لذا ناگزیرند که با واقعیات رانحریف نمایند، به توده ها دروغ بگویند و در برابر جناحی های، هیئت حاکمه در کردستان و سایر مناطق سکوت اختیار کنند. مادر شماره های آینده نشان خواهیم داد که چگونه اپورتونیستهای نیوی مادر لافاه و در پوشش "صلح عادلانه" بدنبال تحقق صلح بهر قیمت هستند. و با انصراف از مبارزه انقلابی و خالی کردن سنگر مبارزه زحمتکشان می رفرمیستی در پییش گرفته اند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

کارگران واحد استاندارد

کفش ملی توانستند

اضافه تولید خود را

بگیرند

شرکت استاندارد یکی از واحدهای کارخانجات کفش ملی است. کارگران این واحد نیز همچون بسیاری از واحدهای تولیدی - برای هدایت مبارزات خود علیه سرمایه داران، در شورای متشکل شده اند.

این کارگران در روزهای آخر تیرماه بیکار شدند. این بیکاری ناشی از مشکلات متوالی است. خود را از جنگ سرمایه داران بدو آوردند. بعنوان نمونه یکی از مواردی که این شورا توانست بشفع کارگران برادران بود که مدبر عامل بدون اطلاع شورا به مسافرت خارج از کشور رفت و قبل از رفتن بازم بدون اطلاع شورا اقدامی از تراز بندی را به جهت کارمندان پرداخت کرد. کارگران که از این موضوع باخبر شده بودند، همزمان با بازگشت مدبر عامل، ضمن اعتراض به این عمل، خواستار دریافت پاداش اضافه تولید سالانه خود شدند. شورا نیز به مدبر عامل اعتراض میکرد که چرا کارهای شرکت را به شورا اطلاع نمیدهند. روز بعد کارگران دست از کار کشیدند. و چند نفر از کارگران و اعضای شورا نزد مهاجرانی (مدبر عامل کفش ملی) رفتند. او ابتدا سعی کرد کارگران را با نصیحت سرکار بفرستند اما کارگران او را اوار کردند برای پاسخگویی به کارگران به محل شرکت باید در آنجا یک کارگزن پشت میکروفون رفت و مشکلات زندگی (گرانی، سکن، کمبودها...) را بر سر شمرد. آن روز کارگران طی مذاکره با مهاجرانی او را اوار کردند به خواستههای کارگران تن دهند.

والله تا دیروز میگفتن فدائی ها مرگاشی اند، مردم چیزی نمیکفتن، میگفتن کردها، عراقی اند و بختیار او جاست، خوب عوام باور می کردند! کارگر! اعتصاب میکردن، میگفتن آمریکا پول تو شون پخش می کند، ولی دیگه راستی راستی شورسو در آوردن، شمارو بچد ببینین به آیت الله طالقانی هم بنشد کردن، ای مصیبتو شکر، در همین ضمن که راننده احساساتی شده بود میخواست همه حقایق را بگوید، مسافر پهلودستش کرد ۳۸ - ۳۷ ساله ای بود در قیافه اش سالها محرومیت و بدبختی دیده میشد به راننده چشم غره ای رفت و با صدای نسبتاً آهسته می گفت: "داداش خیلی تند میری" و دوباره با تاکید "داداش خیلی تند میری" نزدیک بود خودش هم جوش بیاورد، ولی چون حقانیت همه حرفهای راننده را تمام وجودش احساس کرده بود، بیشتر از آنکه عصبانی بشود بفر فرورفت. راننده بارو ال قلی، بی آنکه تعجب کند (سرش را طوری بطرفش خم کرده بود که جواب بگیرد) پرسید: داداش خدایتش تقویول می کنی که مجاهدین منافقن؟! مگه روزی قیام رو فراموش کردی؟ کی بود که تو ماها مسلحه داشت و خودش را به آب و آتش میزد؟ جز این فدائیا و مجاهدین؟ با چماق

ساعت نزدیک ۲ بود، سوار تاکسی که شدم زنی با دو بچه ۶ و ۳ ساله سوار شد. بعد از آن پیرمردی که حدود ۵۰ سال داشت سوار شد و بچض سوار شدن با دیدن چهره خسته و نگرانی این زن که داشت بچه هایش را با جیبی کرد، گفت: خانم تو این کرما چرا بچه ها را بیرون آوردی؟ زن با شوکه و زاری جواب داد: از ۷ صبح او دم بیرون، چیکار کنم؟! باز پیرمرد گفت: مگر کسی نبود نگهشون در راه؟ زن گفت: نه، کار میکنم و هر روز این هارا با خودم می برم. راننده تاکسی که مردی ۴۸ - ۴۷ ساله متین بود، گفت: تنها این خانوم نیست، همه این بدبختی رودارن، کمی مکت کرد و دوباره شروع کرد - بدبختی که یکی دوتا نیست، از دم دادگستری رد میشدم، دیدم یک لشکر آدم تحصن کردن پرسیدم چیه؟ گفتن: صاحب دگهان، بیای! کم بیکار داشتیم که اینارو هم بیکار کردن. پیرمرد از روی دل سوزی گفت: خوب دیگه اون کسی هم که پانصد هزار تومن سرفعلی داده، نمیشه که جلود کوشن چادر بسوزن و از کار بیافته. راننده تاکسی که بغول معروف موهایش از سر و کله زدن با مردم سفید شده بود خیلی متین وجدی گفت: پدرمن، اینا بیکارن،

مردم چه میگویند؟

که ما نمیتوانستیم پادگان بگیریم، مسافر هم گفت: بله همینا بودن. راننده توانست با ظرافت خاصی سو تفاهم را برطرف کند و همچنان به حرفهایش ادامه دهد. حرفهایش که ذره ای درش غلغله کرد و اصلان نشان نمیداد که جانساز گروه یا سازمان خاصی باشد، فقط حقایق را افشا می کرد. او که (بغول خودش) پانزده سال است شور فتاکسی است، دستی به سوهای جوگندمی و پیشانی آفتاب خورده سوخته اش کشید و با لحنی تعجب آمیز گفت: من نمیدونم، ۷۰ هزار کشته شدن، از این ملت کشته شدن، نفهمیدیم که چه حسابی تو کار بود، بگمتر به چند تا از خارج اومدن و راس کارا قرار گرفتن؟ از بنی صدر و بهشتی بگمتر تا زیدی و اسزانتظام و حبیبی و اوان پسر خوشگله که براسینما گذاشتن؟! آره طباطبائی، بازرگان و قلیب زاده و... ما شاء الله، ما شاء الله یکی دوتا که نیستن، تازه اینها هر کدومشون باندهای مخصوص خودشون رودارن، مثلاً میگن بنی صدر یک اکبب مجهز از کارشناسان فرانسوی داره که باصطلاح مشاور سیاسی اوهستن، بهشتی توی جمهوری اسلامی دارو دسته خاص خودش داره، میگن مظفر بقائی و یک دار و دسته انگلیسی روزنامه جمهوری رو اداره می کنن و مشاورین بهشتی هستن. در این موقع به مقصد رسیده بودم و پیاده شدم، با خود میگفتم، راستی که توده های مردم، توده های سالهای ۳۲ نیستن و بگرا احتمال کمتری وجود داره که قربانی ندانم کاری ها و فرصت طلبی های این وان شوند.

پول و پلهای هم ندارن، حق هم دارن، کار میخوان، خدا شاهده من وقتی می بینم این شخصیا مسافر سواری کنن، خجالت میکشم چیزی بگم، خوب منم این تاکسی رو واسه عمه ام که نخردم و اسفند کار خریدم، خوب می بینم مردم بیکارن، زن و بچه هاشون خرجی میخوان - در حالیکه چهره اش خشمگین و صدایش غمناک تر شده بود اینطور ادامه داد: - والله من نمی فهمم، واسه چی انقلاب کردیم؟!

انقلاب کردیم که وضعمون بهتر بشه یا با بحوری همه جا رو گند بگیره؟! نیگاکن صف سیکاره! اشاره به صف سیکار کرد - این جمهوری اسلامی هم والله جیبی بگم هر کاری که تا حالا کرده، بندر مردم نخورده و هیچکی دلش خوش نیست. پیرمرد که از ابتدا به حرفهای راننده گوش میداد و با نگران دادن سر آنها را تأخیر می کرد تا نگاره که دادیده باشد، با ناله و نفرین گفت: فقط یاد دادن بگمکن، حرف میزنی میکن ضد انقلاب، نیگاکن کردستان دارن چیکار میکنن، میدونین چقدر آدم اونجا کشتن؟ تا دیروز میگفتن این فدائیا جنگ راه انداختن و از این چیزها... خوب حالا که رهبراشون توده ای شدن و اومدن پای صلح و مذاکره - چرا آقایون موافقت نمیکنن؟ پس اشکال جای دیگه است... در این موقع اعلامیه همسر آیت الله طالقانی را از پنجشنبه تا کی بداخل انداختند، راننده که قبلاً آترا خوانده بود داغش تازه شد و با متانت خاصی که داشت با صدای گله آمیز و شروع به حرف زدن کرد و اعلامیه را داد به مسافر پهلودستش:

کمکهای مالی دریافت شده

رفقا، دوستان، هواداران!

سازمان همیشه با اتکا به کمکهای مالی شما توانسته در راه انجام وظایف انقلابی خود گام بردارد. کمکهای مالی خود را از راههای مطمئنی که میباشند سید سازمان برسانید. ضمناً فراموش نکنید کمکهای خود را حتماً با کد و حرفی از حروف الفبای مشخص کنید و اگر بعد از سه هفته "کد مبلغ" چاپ نشد به ما تذکر بدهید.

الف	۱۵۵۵	ع	۱۷۴۶	رفقای سیاهکل	۱۵۵۵
ب	۵۲۴	غ	۵۶۵	رفقای انزلی	۵۲۴
ج	۵۱۲۲	ح	۱۳۲۴	غ - ف ۵۰۳۲	۵۱۲۲
د	۹۹۹	ز	۲۴۴۹		۹۹۹
ه	۱۱۲۱	س	۵۶۹	رفقای آلمان	۱۱۲۱
و	۷۷۷	ش	۱۰۵۶		۷۷۷
ز	۸۲۲۲	ط	۵۵۵		۸۲۲۲
ح	۲۲۲۰	ق	۱۶۱۳		۲۲۲۰
ط	۳۰۱۱۱	ک	۶۴۳		۳۰۱۱۱
ث	۵۶۲۳	گ	۱۸۰۰		۵۶۲۳
ج	۵۰۴	خ	۱۷۳۱		۵۰۴
چ	۵۵۳۹	د	۴۱۰۳		۵۵۳۹
ح	۱۸۳۵	ر	۸۵۸۵		۱۸۳۵
ط	۶۶۶۶	ز			۶۶۶۶
ث	۵۲۲۲	س			۵۲۲۲
ج	۸۶۱	ش			۸۶۱



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



بررسی تحولات سیاسی

رفقا با دید رجلسات هفتگی (یا ۱۰۰۰) خود تحولات سیاسی مهم (از قبیل جنگ در کرمانستان، حرکات امپریالیسم از قبیل کودتا - حرکات ضد موکراتیک، حاکمیت در گریهها و اختلافات درون ارگان سازش و... را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده و کوشش کنند ضمن اطلاع نظرات مطروحه در سطح جنبش، نتایج بحث خود را مدون کنند و در صورت امکان آنرا منتقل نمایند. این کار باعث بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل رفقا خواهد شد.

مطالعه تئوریک عام

در این شماره قتلایا رفقا صحبت کرده ایم بنظر ما مطالعه تئوریک باید با هدف مشخصی دنبال شود. در این مورد باید از مطالعه پراکنده و بدون برنامه خودداری کرد. هر رفیق با بدسات مشخصی را به مطالعه اختصاص داده و هم در رفقای هسته از یکدیگر مسئولیت و گزارش بخوانند. از آنجا که مسائل مبرم کمونیستی، بررسی ماهیت حاکمیت کمونیستی و همچنین تعیین سیاست کمونیستها در قبال آنست، رفقا باید مطالعه خود را پیرامون آثار و متمرکز کنند که حاوی تئوریهایی مربوط به دولت و مباحثی مربوط به اتخا دتا کتیک کمونیستها باشد.

انتقاد و انتقاد از خود

همانطور که میدانید انتقاد دوانتقاد از خود یکی از اصول اساسی تشکیلات کمونیستیست بنا بر این تا کید میکنیم که همه رفقا باید عمیقاً نقش را همبست آنرا درک کرده و بعنوان سلاحی سازنده آنرا در جهت تصحیح خفا - کاهش - خطاها و افزایش راندمان کار ریکاگرینند. رفقا باید عمیقاً پی ببرند که یک جریان کمونیستی بدون داشتن روابط انتقادی بقیه در صفحه ۱۰

های جمعی با مسائل مطروحه هم به آگاهی خود عمق و وسعت ببخشند و هم با تشخیص اشتباهات و خطاهای نظرات ما، سازمان را در جهت دست یافتن به تئوری جامع و اتخا دت سیاستها و تاکتیک صحیح یاری رسانند. با توجه به آنچه گفته ایم میتوانیم با طرح وظایفی پیرامون کار سیاسی - تشکیلاتی، رفقای را که با ما ارتباط مستقیم ندارند، در دوزمین (کی) فعالیتها درونی دیگری بیرون (راهنمایی کرده تا بنحویهتری بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل کنند.

الف - فعالیتهای درونی؛ چون یکی از اساسی ترین مسائل برای کمونیست

امروز شما را میسرنگونی بلاواسطه آنرا باید در دستور قرار داد. همچنین اگر کسی سیاستهای سازشکارانه و موضع تسلیم طلبانه "کمیته مرکزی" در مورد جنگ کردستان و صلح مورد نظر آن، حمله میکنیم به این معنی نیست که ما طالب جنگیم و به هیچگونه سازش (سازش بمفهوم لنینی کلمه) و مذاکره یا عقب نشینی اعتقاد نداریم. نکته دیگر آنکه ما با راهها شاد دعوا مفریبیهای "کمیته مرکزی" پیرامون چنین مسائلی بوده ایم بعنوان مثال در پلنوم وقتیکه بحث بر سر مبارزه ایدئولوژیک در گرفت، آنها طرفدار "بازگشت به اصول" و پیرداختن به

عمیقاً اعتقاد داریم؛ بدون مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش و بدون شرکت فعالانه هواداران در آن، سایر فعالیتها سیاسی و تشکیلاتی، کیفیت و نقش لازم را در ارتقاء جنبش نخواهد داشت لذا تا کید داریم که رفقای هوادار بیش و پیش از هر چیز، آگاهانه و با شناخت لازم عهده دار وظایف انقلابی گردند و به تبلیغ و ترویج نظرات سازمان بپردازند. با اعتقاد ما عدم آگاهی از مواضع سازمان و محدود بودن شناخت رفقا از مضمون اختلافات ما با "کمیته مرکزی" رفقا را در انجام وظایفشان دچار اشکال خواهد کرد دو عملاً نمیتوانند در خدمت

رفقا، تریب به دو ماه از حرکت نوین ما میگذرد و از آن مقطع، بسیاری مسئولیتهای سنگین تری را متقبل شده ایم. وضعیت مبارزه طبقاتی، ناتوانی حاکمیت سیاسی در پاسخ گوئی به خواستههای توده ها که نتیجه محتوم آن فاصله گرفتن توده ها از آنست، ضعف و ناتوانی کمونیست ها در پاسخگوئی به وظایف مبرم، سیاستها و تاکتیکهای متنوع امپریالیستها و بورژوازی بزرگ برای جبران عقب نشینی تاکتیکیشان در فاش شدن دست بدست هم داده و شرایط بسیار پیچیده ای را بوجود آورده است. در این شرایط بحرانی و وظیفه ما تلاش بیشتر از پیش در جهت پیشبرد مضمون انقلابی و خنثی کردن سیاستهای انحرافی بورژوازیست که جنبش را به سیرا هه میکشد. به همین جهت با زمان ندهی کمونیست ها در آن و سرقراری سببوند ارگانیک با آنان نقض موثری در انجام وظایف ما ایجاد میکند. از آنجا که ما در شرایط

وسیع و مستقیم در شرایط کنونی عملاً زعهده ما خارج بوده و موجب اکتدکی توان آن چیزی میشود که سازمان انقلابی در چار بود، لذا گسترش بی رویه و جذب همه رفقای هوادار (تا مدت معینی که ظرفیت جذب آنها را پیدا کنیم) امری غیر اصولی تلقی کرده ایم. در چنین شرایطی که با این نهاد مواجیم، (یعنی از یک طرف بسا ضرورت سازماندهی و هدایت جنبش انقلابی توده ها مواجیم و از طرف دیگر موکدا با گسترش بی رویه غیر اصولی تشکیلاتی مخالفت داریم) میبایست در صورت نداشتن ارتباط تشکیلاتی با ارتباطات غیر مستقیم و سود جستن از رهنمودهای سازمان مبرم های هوادار به وظایف انقلابی خویش عمل کند. در این رابطه نشریه کار با بدیمتا به راهنمای هواداران، حاوی رهنمودهایی باشد که به چنین نیازهایی پاسخ گوید. رفقا از آنجا که

سخنی با رفقای هوادار

پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

ما، تشکیلات است، رفقا باید در هر کجا هستند (کارخانه - مزرعه - دانشگاه - مدرسه - اداره - ...) ابتدا با انقلابی ترین و نزدیک ترین رفقای که آنها را بخوبی میشناسند در هسته یا هسته های متشکل شوند و برای پیشبرد کار خود برنامه ریزی کنند. این برنامه باید حاوی مسائل زیر باشد:

مطالعه کار و نبرد خلق

این دو ارگان بویژه باید دید انتقادی مطالعه شده و با احساس مسئولیت هر چه بیشتر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. انتقادات و پیشنهادهای را جمعیت کرد و در صورت امکان آنرا برای ما بفرستید. در صورت عدم امکان ارتباط نیز رفقا نباید از برخورد انتقادی فعال صرف نظر کنند.

مطالعه ای بودند که عملاً ما را از پاسخگوئی و برخورد با مسائل مبرم جنبش باز میداشت، ولی ما معتقد بودیم که مسئله مبارزه ایدئولوژیک باید حوال مسائل، حاوی مبرم صورت گیرد. و این اختلافی اساسی بود که به اشکال دیگر نیز خود را نشان داد "کمیته مرکزی" اینجا و آنجا شایع میکرد که رفقای اقلیت اطلاعیه مبارزه ایدئولوژیک اعتقاد ندارند، یا میگفتند آنها اصول عام کساری ندارند (اگر چه بدنیال تصمیمات پلنوم مطابق با آنچه که "کمیته مرکزی" به پلنوم تحمیل کرد، عمل کردیم و نگاه "کمیته مرکزی" ۱۸۰ درجه چرخید و گفت اینها به مطالعه صرف پناه برده اند!) بهر حال رفقا در توضیح و دفاع از مواضع سازمان وظیفه سنگینی بدوش دارند که قطعاً باید با مطالعه بگیرد و برخورد

تبلیغ و ترویج صحیح مشی و نظرات سازمان قرار گیرند. ملاحظه آگاهی به اپورتونیزم است حاکم بر تفکر و مشی "کمیته مرکزی" و دیدن فاصله ما با آنها کافی نیست که بتوان گفت از مواضع سازمان دفاع کرده و یا آنرا توضیح داده ایم. در این رابطه رفقا باید مری بین ما و جریان های چپ جنبش کمونیستی را دیده و بهنگام برخورد با جریان های راست، این فاصله را نیز در نظر داشته و آنرا توضیح دهند. بعنوان مثال ما میگوئیم "کمیته مرکزی" حاکمیت کمونیستی را "ملی و انقلابی" میدانند ما این معنی نیست که ما حاکمیت را حاکمیتی دست نشانده و مسز دور میدانیم یا مثلاً وقتی که میگوئیم این حاکمیت عمدتاً با ما هیتا بورژوازی است، اعتقاد نداریم که

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سخنی با رفقای هوادار...

بقیه از صفحه ۹

تبلیغ و ترویج زد.
ب- وظایف بیرونی (اهم
فعالیتها):

وظایف بیرونی رفقا
بر اساس شرایط مشخص
منطقه‌ای که در آن قرار
گرفته‌اند، تعیین میشود.
با یدبا تحلیل از ترکیب
طبقاتی نیروهای که در
حیطه فعالیت رفقا قرار
دارد، به کارگران
و زحمتکشان تکیه کرد و
فعالیت سیاسی خود را
تنظیم نمود:

شرکت در جنبش توده‌ها

رفقا باید همواره در
جنبش توده‌ها شرکت نموده
و با اتخاذ تکنیک‌های
مناسب سعی در بالابردن
آگاهی توده‌ها داشته و
آنها را در سازمان‌های
توده‌ای متشکل نمایند.
مثلاً اگر در منطقه‌ای
دهقانان بی‌زمین برای
کسب و مصا دره زمین
مبارزه میکنند، رفقا باید
ضمن توضیح مسائل ارضی
و حقوق دموکراتیک توده
ها، به دهقانان ضرورت
ایجاد دشواری دهقانان یا
اتحادیه دهقانان، را
خاطر نشان کرده و آنان را
در این امر یاری رسانند.
از آنجا که برداشت
های نادرست و یکجانبه
در برخی از نیروها باعث
کم‌بها دانستن به امر
دموکراتیک مبارزه و بی
توجهی به نقش سازمان
های دموکراتیک گردیده
لذا کوشش در این زمینه
را از انتم وظایف رفقای
هوادار دانسته و معتقدیم
که تکیه یکجانبه به
"کار در میان کارگران"
بی‌توجهی محض موقعیت
جنبش و آرایش نیروهای
انقلاب دموکراتیک است
و آشکارا با درک صحیح
از وظایف سوسیالیستی و
دموکراتیک، بیگانگی
دارد.

تبلیغات سیاسی

از دیگر اقدامات
بیرونی رفقا باید کوشش
در جهت گسترش تبلیغات
سیاسی را ذکر کرد. رفقا
برای این امر میتوانند
به کارهای زیرمبادرت
ورزند: فروش نشریه
کا رو سر دخلق، ایجاد
بساط کتا بفروشی در مکان
های مناسب، نصب
اعلامیه‌ها، تراکت‌ها
و پوستره‌های سازمان در

فادربه ادامه حیات
انقلابی خویش نیست.
در برخورد های انتقادی
حتما با یدبه سازنده بودن
انتقاد توجه داشت و آنرا
به سلاحی مخرب بسدل
نساخت. حق زدن - بهانه
گیری - مع‌گرفتن کنترل
های خرده بورژوازی و
نا سالم، نباید جایگزین
انتقاد سازنده شود. بدون
توجه به این مسائل نمیتوان
روابط اصلی انتقاد و
انتقاد را ز خود داشت و شاهد
رشد و شکوفائی رفقا بود.
ما با زهم تا کید میکنیم
که رفقا قبل از هر چیز باید
به نقش و اهمیت انتقاد
به مبارزه سلاحی که ما را
در مبارزه برای آزمان
پرولتاریا یاری میرساند
توجه عمیق داشته باشند
و فراموش نکنند که بسیاری
از خصوصیات غیر پرولتاری
محتاج مدت زمانی طولانی
است و باید بصورتی که از
تکرار انتقاد دخته نشود
به رفقا اجازه داد تا در
فرصت لازم خود را تصحیح
کنند.

جمع بندی دوره‌ای از کار

رفقا باید در فواصل
معینی (مثلاً یکماهه) کار
های انجام شده را ارزیابی
کرده و با بررسی انتقادات
اشتباهات مجموعه فعالیت
های خود را جمع بندی کنند.
در صورتی که مطابق برنامه
هسته موفق به بالابردن
ظرفیت و کیفیت نیروهای
خوشه شده باشد نمیتوانند
مسئولیت‌های بیشتری را
عهده دار شوند. و چنانچه در
این زمینه موفق نبوده
باشند با ریشه‌یابی مسئله
برای رفع اشکال (در
برنامه ریزی و سایر
مسائل) تجدید نظر کرد.
در شرایطی که رفقا
پروژه‌ای طولانی را طی
میکند و در مجموع از کیفیت
بالایی برخوردار هستند،
چنانچه موفق به ارتقای
گیری با سازمان نشدند،
میتوانند بدیعنوان گروه
هوادار اعلام موجودیت
نموده و در منطقه خودشان
فعالیت سیاسی داشته
باشند. نتیجه رفقا باید
توجه داشته باشند که هر
صورتی نمیتوان از نام
گرفتن را استفاده کرد
که بر اساس چهار چوب
تاریخ سازمان دست به

سرکوب دکهداران

و نظرات مردم

گروه دوم: این گروه برخلاف
گروه اول به مساله کاملاً از زاویه
سیاسی برخورد می‌کنند و ارتباط
لابینفک این حرکات سرکوبگرانه
را با سایر اعمال دولت می‌بینند
محور برخورد این گروه اینست
که چون حاکمیت در جهت
منافع خلق نیست و از آنجا که
حامی سرمایه داران و تجار بزرگ
بازار و... میباشد برای تأمین
منافع آنها اقدام به فشار روی
توزیع کنندگان خرید می‌نماید.
بیشتر افرادی که در این گروه
جای میگیرند، از رابطه سرکوب
دکهداران و جمع آوری بساط آنها
با سرکوب خلق کردوترکن و...
سرکوب کارگران بیکار، بسی
محتوا ساختن شوراهای توده‌ای،
سرکوب دانشجویان و گروه‌های
انقلابی صحبت می‌کنند و در
مجموع این حرکات را جز
ماهیت حاکمیت کنسروی
میدانند.

گروه سوم: برخورد این
گروه با مساله برخوردی دوگانه
است، از یکطرف این اقدام
را قبول ندارند و از طرف دیگر
آنها در ماهیت حاکمیت کنونی
بلکه در اقدامات جناحی از
حاکمیت می‌بینند، این دسته
مثلاً شهرداران آینده سرمایه
داران میدانند ولی کل حاکمیت
را در این عمل تبرئه کرده و از آن
حمایت می‌کنند، مثلاً تعدادی
از این گروه به بنی صدراقتصاد
توجهی ا شوق و قول و قرارهایش
با طنز حمله کرده‌اند. حاکمیت را
نصیحت می‌کنند و یا معتقدند که
حاکمیت سیاسی در این امر
اشتباه می‌کند و فکر می‌کنند که
دولت میتواند مساله بیکاری،
تورم، فقر را حل نماید و حتی
هشدار میدهد که دولت باید
بداند با این اقداماتش مردم را

دولت جمهوری اسلامی به
بهانه‌های از قبیل زیباسازی
شهر، جلوگیری از فروش نوار
های مبتدل و پاکسازی پیاده‌رو
ها اقدام به جمع آوری دکهدهای
کنار خیابان و جمع آوری بساط
آنها نموده‌است. این اقدام
دولت توسط ارگانهای سرکوبش
ماهیت واقعی دولت جمهوری
اسلامی را نشان داد و در این مورد
نه فقط اعتراض دکهداران را
بلکه برانگیخت، بلکه مردم
کوچه بازار اکثراً نیز نسبت
بدین امر اعتراض داشتند.
عده‌ای از هواداران سازمان
پیرامون این مساله اقدام به
نظرخواهی از مردم نمود و این
نظرخواهی را برای مافرستاده
اند. ماضن قدر دانی از این کار
نظرات مردم نمود و برای اطلاع
خوانندگان نشریه کار منتشر
می‌نمائیم.

حدوده و غیر در نقاط
مختلف شهر نظراتشان را راجع
به برچیدن دکهدهای کنار خیابان
در این نظرخواهی نوشته‌اند که
میتوان آنرا به سه گروه اساسی
تقسیم نمود. علاوه بر آن تعداد
قلیلی نیز نظراتی متفاوت از
این سه گروه داشتند که نظر آنها
را نیز بعنوان گروه‌های فرعی در
این جمع بندی می‌آوریم.
گروه اول: این گروه مساله‌ها
صرفاً از نظر اقتصادی مورد توجه
قرار داده و معتقدند که جمع آوری
دکهدها باعث رواج بیکاری و فساد
خواهد شد و باید تا پیدا کردن
کار برای بیکاران دکهدها همین
وضع بماند. این گروه وارد این
مساله که علت جمع
آوری دکهدها چیست نمیشوند
نمیگویند چرا دولت چنین
اقدامی انجام میدهد.

جاهای پر رفت و آمد و محل
تجمع توده‌ها، در شست
نویسی مقالات یا بخشی
از نوشته‌های کاروان...
شعار نویسی بر دیوارهای
معا بر شهر و روستا، بخش
تراکت و اعلامیه پیرامون
مسائل ویژه منطقه فعالیت
رفقا. افشاء سیاستهای
هیئت حاکمه، در اشکال
متنوع و گوناگون و تلفیق
آنها با یکدیگر،
رفقا توجه داشته
باشند که بخش نشریه کار
و اعلامیه‌های سازمان،
از اهمیت درجه اول
برخوردا را است.

شرکت در کار و زندگی

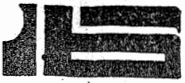
جمعی توده‌ها

علاوه بر فعالیت‌های
جمعی در محیط‌های خاص
شغلی بویژه رفقا باید در
کار زندگی توده‌های
زحمتکش بویژه کارگران
شرکت کنند تا ضمن فراگیری
از آنان به آنها نیز آشنسته
های خویش را بیاموزند
البته آمیزش با زندگی
توده‌ها ما دام که بر مبنای
درکی عمیق از نیازات
آن، صورت نگیرد،

ناراضی کرده و وادار به شورش
می‌کند.
حدوده ۹۰٪ کسانی که نظراتشان
را نوشته‌اند در سه گروه بالا جای
میگیرند و بقیه به گروه‌های فرعی
تقسیم میشوند.
عده‌ای معتقدند که اگر چه این
حرکت غلط است ولی دکهد
داران نباید هیچ اقدامی کنند
چون در کل حرکات ضد
امپریالیستی حاکمیت خلسل
وارد شده و آن راه بهیراهه
میکشد. گروه کوچکی معتقدند که
دکهدها باید جمع شوند چون در
توزیع اخلاص می‌کنند ولی باید
برای اینها کار در جهاد سازندگی
درست کرد و اینها را به روستاها
فرستاد.

عده دیگری به ابراز گرایشات
لیبرالی خود پرداخته و تنها از
این زاویه به مساله نگریسته‌اند
که روحانیت مسبب این وضعیت
است. گروه بسیار ناچیزی هم
بیش از هر چیز نگران اسلام
می‌باشند و معتقدند که نباید با
این حرکات اسلام را بدنام نمود
نکنه قابل توجه در این بود که
فقط در صد ناچیزی از افرادی که
از آنها سوال شده این حرکت را
تائید نموده‌اند که مسلمانرا بطه
مستقیم با منافع آنان داشت.
اما نکته مهمی در مورد رفقای
که اقدام به نظرخواهی، مصاحبه
و... با مردم می‌کنند اینست که
رفقا باید کوشش کنند که
افراد کینه‌ناک
میدهند حتما شغل، منطقه
سکونت، میزان سواد خود را
بنویسند این مساله در جمع بندی
هائیکه سازمان راجع به برخورد
های افشار مختلف مردم نسبت
به مسائل مهم روز دارند مورد
استفاده قرار میگیرد.

نمیتوانند نقش سازنده‌ای
در تصحیح و تنگنا مل خصائص
ما داشته باشد.
ما باید بر مبنای چنین
درکی، در زندگی روزمره
(بی آنکه تعجیل کنیم) به
توده‌ها نشان دهیم که
پیوندهای عمیقی با آنها
داریم. وهمچنین باید
بخاطر داشت که در تعمیق
آنچه که ما را به جانفشانی
در راه خویش میکشاند،
باید عشق به توده‌ها را در
وجودمان زنده تر سازیم.



گرامی باد سالروز قیام ۳۰ تیر

سی تیر ما در قیام پرشکوهِ توده‌های مردم و آوازه‌آهنی و خلبانان دیرمار زره‌با امیربالیسم و ارتجاع داخلیست. درسی ما تیرماه ۱۳۳۱ توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده میهنمان به‌خوبی با نهار ریختن و با نبرد با امپریالیسم و دربار و آوارده‌بافت نشینی نبوده و بیکار و بیکار نیست و زیر دکتروصدق را با نهار تحمل کردند. توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

توده‌های میهنمان در این روز تاریخی نشان دادند که هرگاه رهبران مردم در جهت خواسته‌های حقوق‌آنها، در جهت مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم گام بردارند، مورد انجمن حمایت بوده یا فراموش کردند که هیچ قدرتی را با آوازه‌آهنی و ستم‌دیده‌ها نمی‌تواند شکست دهد.

هادی غفاری یکی از رهبران چماق‌داران اعتراف می‌کند

یکی از گردان‌سازان حزب جمهوری اسلامی و پیشه‌ور رسالتی معبده‌دار که پروولتاریا را با اسباب‌آهن در تضاد می‌شمارد، هادی غفاری در چای دیگری می‌گوید: "ما تاکنون فاشیست بازی در نیاموردیم ولی از این بعد فاشیست بازی در می‌آوریم (تا یک‌دوازده ساعت) البته وقتی ایشان کشتن دانشجویان، حمله به متینکها... رفاقتیست بازی نمی‌دهند و در آفتاب می‌خواهند دست به فاشیست بازی بزنند از پیش معلوم است که چماق‌دار در خواهد آمد. ولی هادی غفاری و تمام کسانی که وی را تأیید می‌کنند بدین امر واقف نبودند و می‌توانند با شنیدن کلمه چماق‌سرویس، فاشیست و اشتقاقی نمیشوند مانع فعالیت انقلابیون برای آگاه کردن مردم شود.

صحبت‌های آقای غفاری برای کسانی که سعی در مخدوش کردن چهره امپریالیسم دارندگان جمهوری اسلامی داشته‌اند و میخواهند آنرا ملی و انقلابی و خودمهور و زوای قلمداد کنند نیز خالص خواهد بود بشرط آنکه چشمی برای دیدن و گوش‌هایی برای شنیدن و مغزی برای فکر کردن داشته باشند.

روزنامه اطلاعات و پخش دروغ و شایعه

روزنامه اطلاعات با پخش دروغ و شایعه علیه نیروهای انقلابی به مبارزه با امپریالیسم پرداخته است. در شش ماه گذشته خود توده‌های مردم که هر چه کوششی علیه نیروهای انقلابی می‌بینند، فاشیست‌ها را در خفا فرود می‌کنند، یا دیگر تبلیغات زهرآگین و عوام‌فریبانه خود را در خفا پخش کرده‌اند، از جمله آنها با کشف توطئه کودتای اخیر، بی‌شرفانه‌گریزیدند تا این دروغ آشکار شود. فاشیست‌ها نیز در کودتای اخیر دست داشتند. اما غافلند از اینکه عوام‌فریبی و تبلیغات مزدوران آریا مهری در روزنامه اطلاعات تاکنون چندین بار تکرار شده‌اند و نه دروغ‌های هیبت‌حاکمه هیچ‌گاه در نیست، حقایق را از دید توده‌ها پنهان دارند. عوام‌فریبان باید بدانند که توطئه‌ها در چهره‌های شایعه‌ها می‌پوشد و هیچ‌گاه چیزی از اعتبار روزافزون آنها در قبال توده‌ها نخواهد داشت.

توده‌های مردم میهن ما اکنون بقدر کافی آگاه شده‌اند که می‌توانند در میان دو دشمنان خود را تشخیص دهند، آنها به‌خوبی میدانند که فاشیست‌ها تاکنون همان کسانی هستند که سالها پیش آشنایی با پدیده‌های هیبت‌ساز امپریالیسم می‌آوردند و در کودتای اخیر فاشیست‌ها نیز فاشیست‌ها را به‌خوبی می‌شناسند و این تبلیغات عوام‌فریبانه و پخش شایعات دروغ علیه نیروهای انقلابی حیرت‌خیز نیست. به‌خوبی می‌توانیم حدی را دنبال نمی‌کنیم.

گرامی باد خاطره همه شهدای خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با در نظر گرفتن شرایط انقلابی و مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع داخلیست، عمل جانیکنارانه تروریست‌های مزدور را که با بمب‌گذاری در پاساژ کمپانی، باعث کشته و مجروح شدن ده‌ها هموطن گردیدند محکوم می‌نماید و اعتقاد دارد که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری مردم باید به هشاری انقلابی خویش بپردازند.

امروز عوامل مزدور وابسته به امپریالیسم به انتحاء مختلف علیه خلق مبارز ایران توطئه می‌کنند. باید با اتحاد عمل نیروهای انقلابی و در پیوند با مردم مبارز و آگاه میهن، توطئه‌های دشمن را افشاء و بی‌اثر سازیم.

۲۸ میلیارد ریال

در شرایطی که توده‌های زحمتکش میهن ما تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار دارند. در شرایطی که میلیونها نفر از توده‌های مزدور در جنگال فقر و بدبختی، گرسنگی و بیکاری، بیماری و بی‌خانمانی گرفتارند و از کمبود مسکن، گرانی، نبود امکانات رفاهی و بهداشتی رنج می‌برند، حکومت جمهوری اسلامی تنها در فروردین و اردیبهشت ماه اسامی مبلغ ۲۸ میلیارد ریال صرف خرید و تجهیزات نظامی می‌کند.

هنگامیکه کارگران بیکسار، درخواست کار، گرسنگان، درخواست نان، کارگران درخواست افزایش حقوق، دهقانان و کسبه خرده‌تولید کنندگان درخواست کمکیهای مادی می‌کنند، هیئت حاکمه ادعای ورشکستگی می‌کند و همه راه صبر و آرامش و بردباری انقلابی را دعوت می‌کند، حقوق کارمندان جزء را کاهش می‌دهد، بر مالیات‌ها که بار سنگین بردوش توده‌های زحمتکش می‌افزاید، تا اینکه باره ضد امپریالیسم را پیش برد

دوستان عزیز ما! سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با در نظر گرفتن شرایط انقلابی و مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع داخلیست، عمل جانیکنارانه تروریست‌های مزدور را که با بمب‌گذاری در پاساژ کمپانی، باعث کشته و مجروح شدن ده‌ها هموطن گردیدند محکوم می‌نماید و اعتقاد دارد که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری مردم باید به هشاری انقلابی خویش بپردازند.

امروز عوامل مزدور وابسته به امپریالیسم به انتحاء مختلف علیه خلق مبارز ایران توطئه می‌کنند. باید با اتحاد عمل نیروهای انقلابی و در پیوند با مردم مبارز و آگاه میهن، توطئه‌های دشمن را افشاء و بی‌اثر سازیم.



گرامی باد یادرفقای شهید

برگهای تاریخچه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روزهای مرداد ماه نیز گلگون است. یادرفقایان رزمندگانی را که به موجودیت پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستی بخشیدند بزرگ میداریم و به زندگی سراسرافتخار و بی پیرایه شان که سنت های نوینی را در جنبش انقلابی میهنمان بدست گذاردند درود می فرستیم رفیقانی که تا اوپسین دم زندگی به آرمان کارگران و زحمتکشان وفادار ماندند و عالیترین نمونه عشق به خلق و ایمان به رهائی کارگران و زحمتکشان را با ایستادگی های بیرولتاریائی در مقابل دشمن خلق به جهانیان نشان دادند. رفقای که در مرداد ماه به شهادت رسیدند همانند سایر فدائیان شهید

فرزندان نمونه خلق، انسانهای ساده، دوست صمیمی مردم زحمتکش، انقلابیون قاطع و تزلزل ناپذیر بودند که به ما درس زندگی دادند. آنها چه بسیار ساده میا موختند که زندگی یعنی مبارزه و مبارزه یعنی تلاش برای اعتلای زندگی. آنچه زندگی مبارزاتی فدائیان شهید را برجسته میسازد صداقت و ایمان تزلزل ناپذیرشان به رهائی زحمتکشان و به سوی لایزم، آشتی ناپذیری و سرسختی شان در مبارزه با دشمن خلق است. بکوشیم خصایص برجسته کمونیستی را از رفقای شهیدمان بیاموزیم و در پی کار علیه دشمن خلق و طبقه کارگر سرسخت و تزلزل ناپذیر باشیم.

- ★ زین العابدین رشتچی
- ★ احمد زبیرم
- ★ حسین اللهیاری
- ★ غلامرضا بانژاد
- ★ فریدون شافعی
- ★ جهانبخش یابداری
- ★ سعید میرشکاری
- ★ عباس جمشیدی رودباری
- ★ ونداد ایمانی
- ★ مرتضی فاطمی
- ★ هرمزگر جی بیانی
- ★ عبدالله سعیدی بیدختی
- ★ یوسف کشی زاده
- ★ فرامرز شریفی

۲۸ مرداد سال (۱۳۵۱) روزنامه های رژیم منفور پهلوی با تیتراژ درشت گزارش دادند که "چریک فدائی خلق احمد زبیرم، عضو شبکه جنگل کشته شد". چگونگی درگیری و شهادت حماسی رفیق احمد زبیرم، که در روزنامه های جیره خوار رژیم درج شده بود تاثیر گسترده ای بر مردم باقی گذارد و دروغهای بی شرمانه رژیم را در باره با صلااح "خرابکاران" رسواتر کرد. کیهان در شرحی بر این ماجرا نوشت:

مادر خانواده ای که احمد زبیرم در خانه شان کشته شد - مجرا را چنین بازگو کرد: من تازه از خواب بلند شده بودم و در اتاق بای ساور نشسته بودم، شوهرم ابوالقاسم هم تازه از مسجد برگشته بود و در حیاط نشسته بود. یکدفعه از پنجره دیدم مردی که لباس هایش خونی است اسلحه بدست روی پشت بام ایستاده است. بعد از دیدن بانین آمد و سگینه و سر کوچکم راه زیر زمین برد. او مدتی روی پله ها ایستاد، و پشت بام های اطراف را نگاه کرد. من خیال کردم او دزد است. میخواستیم پیش بجهان بروم. بعد وارد اتاق شد و بین انار و کرد که یک گوشه بایستم. از ترس زبانم بند آمده بود و نمیدانستم بگذارم که به او اصرار کردم که بگذارد من هم پیش بجهنم بروم ولی او میگفت با تو کاری ندارم. مادر، بعد هم از من جادرخواست، منم یک جادر کهنه به او دادم و آن را به کمرش بست. مقداری پول هم از جیبش درآورد و خواست پول جادر را بدهد ولی من قبول نکردم. وقتی باز هم اصرار کردم که بگذارد من پیش بجهنم بروم گفت کرد مرا به زیر زمین برد.



رفیق احمد زبیرم، همیشه می گفت: ما نمیتوانیم با دشمنان خلق روبرو شویم. کسی که کینه ای بیایان به دشمنان خلق نداشته باشد نمیتواند از عشق به خلق سخن بگوید.



چرا از قطع تحریم اقتصادی قاطعانه امروز

واردات کالاهای انگلیسی دوبرابر شده است؟!

آیا از نظر جمهوری اسلامی امپریالیسم انگلیس "خوبتر" از امپریالیسم آمریکا است؟
ما میگوئیم: تمام امپریالیستها دشمن ما و همه حلقهای جهانند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ت - الف ۴